



الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

وَرَفَعَهُ عَلَى



**اکنون عرصه های متعددی برای وقف وجود دارد که
از جمله آنها، پزشکی، علم و آموزش، تحقیقات و
پژوهش، علوم جدید، محیط زیست و ترویج دین به
شکل های مدرن است.**

در دیداربا نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف
و امور خیریه و مسوولان این سازمان مورخ ۹۰/۱۲/۱۳

فهرست مطالب

| | |
|---|----|
| پیشگفتار..... | ۶ |
| فصل اول: علم ، دانش و پژوهش | ۹ |
| مقدمه | ۱۰ |
| تعریف علم | ۱۰ |
| جایگاه علم در اسلام..... | ۱۱ |
| جایگاه علم در بیانات مقام معظم رهبری | ۱۷ |
| جایگاه علم در زندگی انسان | ۲۷ |
| جایگاه و نقش علم و فناوری در تمدن سازی ایرانی -اسلامی | ۲۸ |
| جایگاه ایران در تولید علم جهان | ۳۰ |
| جایگاه نخبگان در توسعه علمی کشور | ۳۷ |
| پدیده فرار نخبگان و ارتباط آن با توسعه و خوداتکایی کشور | ۴۱ |
| فصل دوم: وقف | ۴۵ |
| مقدمه | ۴۶ |
| تعریف وقف | ۴۷ |
| جایگاه وقف در اسلام..... | ۴۸ |
| وقف از منظر آیات و روایات | ۴۹ |
| وقف از منظر بزرگان | ۵۱ |
| امام خمینی | ۵۱ |
| مقام معظم رهبری | ۵۲ |
| آیت الله جوادی آملی | ۵۴ |
| اصول مندرج در وقفنامه آیت الله جوادی آملی..... | ۵۵ |
| گزیده ای از گفتارهای حجت الاسلام قرائتی | ۶۷ |
| جایگاه وقف در سایر ادیان و ملل | ۷۳ |
| وقف و بخشش در مسیحیت | ۷۳ |

| | |
|----------|---------------------------------|
| ۷۴..... | بخشش در فرهنگ یهود |
| ۷۵..... | وقف در ایران |
| ۸۰..... | بخشش در بین مصریان قدیم |
| ۸۲..... | آثار و کارکردهای وقف |
| ۸۲..... | آثار فرهنگی وقف |
| ۸۵..... | آثار اجتماعی وقف |
| ۸۸..... | آثار اقتصادی وقف |
| ۹۳..... | وقف های خواندنی |
| ۹۴..... | وقف برای برندگان جایزه نوبل |
| ۹۴..... | وقف برای ظروف شکسته |
| ۹۵..... | وقف زمین برای جانوران |
| ۹۵..... | وقف برای پرندگان |
| ۹۶..... | وقف برای گربه ها |
| ۹۶..... | درختی که وقف گسترش اسلام شد |
| ۹۷..... | وقف غذای سگها برای نرفتن به حرم |
| ۹۷..... | وقفهای خوراکی |
| ۹۸..... | وقف اغنیا |
| ۹۹..... | وقف برای واکس زدن زائرین |
| ۱۰۰..... | وقفهای اخلاقی |
| ۱۰۰..... | وقف تفریح کودکان |
| ۱۰۱..... | وقف سیم کارت رند برای امامزاده |
| ۱۰۱..... | وقف برای حمام |
| ۱۰۱..... | وقفهای جالب خارجی |
| ۱۰۳..... | وقف های خواندنی دیگر |
| ۱۰۵..... | فصل سوم: طرح وقف علمی |

| | |
|--|-----|
| مقدمه | ۱۰۶ |
| نمونه موقوفات در ایران معاصر | ۱۰۹ |
| انسیتیتو پاستور | ۱۰۹ |
| بنیاد فرهنگی موقوفه البرز | ۱۰۹ |
| بنیاد علمی و آموزشی قلم چی | ۱۱۱ |
| موقوفات سید حسین فلاح نوشیروانی | ۱۱۲ |
| موقوفات مرحوم حاج حسین آقاملک | ۱۱۴ |
| نمونه موقوفات در جهان اسلام | ۱۱۴ |
| نظامیه ها و موقوفات آنها | ۱۱۴ |
| مدرسه موقوفه بنی سعد بخارا و پژوهش ها و تحصیلات پزشکی ابن سینا در آن | ۱۱۶ |
| بیمارستان بزرگ منصوری قاهره و موقوفات آن | ۱۱۷ |
| مدرسه نجف اشرف | ۱۱۹ |
| جامع الازهر مصر و موقوفات آن | ۱۲۰ |
| بغداد و موقوفات آن و فعالیت های علمی و پژوهشی خوارزمی در آنجا | ۱۲۱ |
| دانشگاه موقوفه مسلمین در قرطبه و پژوهش و تدریس پزشکی | ۱۲۲ |
| مجمع آموزشی موقوفات ربع رشیدی | ۱۲۵ |
| موقوفات رصدخانه مراغه و خواجه نصیر الدین طوسی | ۱۲۸ |
| نمونه موقوفات در سایر کشورها | ۱۲۹ |
| نتیجه گیری : | ۱۳۵ |

پیشگفتار

وقف یکی از افتخارات دین اسلام است و به صورت غیر مستقیم در قرآن و به طور مستقیم در سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) به آن توجه فراوان شده است. برای پی بردن به اهمیت این موضوع باید به نقش وقف در جامعه اسلامی در طول تاریخ توجه فراوان داشت.

به عنوان مثال اگر وقف های مردمی برای برپایی مراسم عزای سالار شهیدان (ع) نبود، چه بسا استعمار خارج و استبداد داخل به رویای خود می رسید و این فرهنگ ناب شیعی به فراموشی سپرده می شد.

در شرایط کنونی جامعه نیز که با تدبیر مقام معظم رهبری سال فرهنگ و اقتصاد، با عزم ملی و مدیریت جهادی نامگذاری شده است، وقف ابزاری قدرتمند جهت پاسخگویی به مسائل فرهنگی و اقتصادی و بویژه بهره برداری از آن در اقتصاد مقاومتی می باشد.

در حوزه مسائل روز جامعه اگرچه نیاز انسان به مسکن، بهداشت، پوشاک و خوراک، نیازی است که به فراخور زمان شاید

قالبش تغییر کند ، اما محتوا و اصل نیاز برجای خود باقی است ، اما نیازهایی هستند که در دامان تحولات روز جهان متولد می شوند و جامعه چاره ای جز پاسخ دادن به این نیازها را ندارد ، آنچنان که در سایه ی رشد علمی ایران اسلامی ، امروزه فناوری های نوظهور از قبیل فناوری های هسته ای و سایر مقوله های علمی ، پژوهشی و نخبگان علمی جزء اولویت هایی قرار گرفته اند که باید نیات واقفین به سمت آن جهت داده شود .

همانطور که زمان پهلوی اول ، بسیاری از واقفین خیر اندیش را به فکر وقف برای برپایی مجالس عزاداری سالار شهیدان (ع) انداخت ، امروز هم باید مردم و آنها که نیت دخیل کردن دیگران در تنعم مادی خود را دارند به نیاز های روز جامعه واقف شوند .

اینکه مردم دریابند ، امروز کشور به تولید علم نیاز دارد ، اینکه اقتدار ملی ، توسعه سیاسی و اقتصادی کشور در گرو نهادی اجتماعی مانند وقف می باشد ، نیازمند ترویج و فرهنگ سازی می باشد .

تاکنون موقوفات زیادی بوده که عواید حاصل از آن در حوزه های علمی هزینه شده است ، اما متأسفانه تبدیل به یک جریان

پایدار همانند آنچه که در ساخت مدارس و شکل گیری انجمن خیرین مدرسه ساز در ابتدای انقلاب شد ، نشده است .

در این کتاب ، در فصل اول ابتدا به قداست علم و جایگاه آن در زندگی انسان و تمدن سازی اسلامی و همچنین نقش نخبگان در توسعه علمی اشاره شده است .

در فصل دوم به مقوله ی وقف و جایگاه آن در اسلام و سایر ادیان اشاره شده است .

و در فصل سوم به بیان وقف علمی و نمونه موقوفات علمی در جهان اسلام ، ایران و سایر کشورها جهت آشنایی خوانندگان به تاثیر شگرف وقف در مباحث علمی و اقتدار تمدن ها در برهه های زمانی مختلف اشاره شده است .

در انتها ضروری است از تلاشها و زحمات صورت گرفته توسط همکاران مستقر در دفتر منطقه شمال شرق (دفتر نوآوران و همکاریهای علمی شهید فهمیده سبزوار) به خاطر طراحی ، برنامه ریزی ، ترویج و فرهنگ سازی طرح وقف علمی ، تقدیر و تشکر صورت پذیرد .

مرکز مدیریت نخبگان و پردیس های فناوری دفاعی

فصل اول: علم ، دانش و پژوهش

در این فصل ابتدا ضمن تعریف مقدماتی علم در خصوص تاکید دین مبین اسلام بر اهمیت علم و دانش و آیات و روایات مرتبط با جایگاه و منزلت علم مطالبی بیان شده است . در ادامه گزیده ای از سخنان مقام معظم رهبری مبنی بر اهمیت مقوله علم در اقتدار ملی و توسعه سیاسی و اقتصادی کشور بیان شده است . در ادامه جایگاه علم در زندگی انسان و نقش علم در تمدن سازی ایرانی - اسلامی مطالبی ارایه شده و در نهایت ضمن ارایه جایگاه ایران در تولید علم جهان ، به مهمترین مولفه توسعه علمی یعنی نخبگان و عدم توجه به این قشر و ظهور پدیده فرار مغزها اشاره می شود .

تعریف علم

در زبان عربی واژه ی «علم» و در زبان انگلیسی واژه ی «science» دو کاربرد عام و خاص دارند. در کاربرد عام، هرگونه معرفت روشمند را شامل می شوند. اما در کاربرد خاص محصول دوران مدرن و پدید آمدن علم به معنای ویژه ی جدید هستند. این واژه در کاربرد خاص^۱ تقریباً جانشین

«natural philosophy»، یعنی فلسفه ی طبیعی یا طبیعیات شده است که یکی از بخش های سه گانه ی حکمت نظری در بخش بندی ارسطویی است. واژه ی science از واژه ی لاتین scientia به معنای مطلق شناخت است که خود از فعل scire به معنای «دانستن» گرفته شده است، و می توان گستره ی آن را تقریباً گستره ی فلسفه دانست.

جایگاه علم در اسلام

اهمیت علم و دانش در اسلام بقدری است که اولین کلمه ای که جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت؛ این بود: «اقراً» (بخوان)! پیامبر اکرم می فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم»؛ یعنی جست و جو و تحصیل علم بر هر مسلمانی فرض و واجب است. معنای حدیث این است: یکی از فرایض و واجبات اسلامی، در ردیف سایر واجب ها، تحصیل علم است. در کتاب های روایی همیشه یک باب مخصوص تحت عنوان «باب وجوب طلب العلم» و یا عنوانی نظیر این عنوان وجود دارد که می فرماید جست و جو و طلب علم بر هر مسلمان واجب است، و در این حکم کلی استثنایی وجود ندارد، حتی از لحاظ زن و مرد هم استثنایی ندارد.

این حدیث می فرماید فریضه علم یک فریضه عمومی است، اختصاص به طبقه ای یا صنفی یا جنسی ندارد.

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به ارزش و جایگاه علم و دانش و نقش آن در زندگی انسان و ثمرات و نتایج آن در جنبه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی مردم و جامعه می پردازد.

اگر خداوند نسبت به جهان، علم نداشت؛ می توانست آن را اداره کند؟ «.. أَنْ اللّٰهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا؛ خداوند متعال به احاطه علمی، بر همه امور عالم آگاه است»^۱

آیا آصف بن برخیا، می توانست؛ بدون علم، تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان علیه السلام حاضر کند. « قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ؛ کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را (تخت بلقیس را) پیش از آنکه پلک دیده ات به هم بخورد، نزد تو می آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]»^۲

^۱ طلاق، ۱۲

^۲ نمل، ۴۰

خداوند در قرآن می فرماید: "قل هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون، انما يتذكر اولوا الالباب"؛ بگو آیا دانایان با نادانان مساوی اند؟ جز این نیست که تنها خردمندان یادآور می شوند.^۳

همچنین خداوند در قرآن کریم و در سوره علق می فرماید: "عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ" به این معنی که از جمله آثار صفت ربوبیت پروردگار و از مواهبی که به انسانها اهداء شده، آن است که پروردگار هر آنچه را که بشر بفهمد و بدان احاطه بیابد از طریق تعلیم ساحت ربوبی است که از طریق وحی و کتابت و گفتار و سخنان رسولان و تعلیمات آنان در دسترس جامعه بشر گذارده می شود (تفسیر حسینی همدانی) و جالب این است در حالی که پیامبر صلی الله علیه وآله درس نخوانده بود و محیط حجاز را یکپارچه جهل و نادانی فرا گرفته بود. در نخستین آیات وحی تکیه بر مساله علم و قلم است که بلافاصله بعد از نعمت بزرگ خلقت و آفرینش در این آیات ذکر شده است. آن روز که این آیات نازل می شد نه تنها در محیط حجاز کسی برای قلم ارزشی قائل نبود که

^۳ زمر، ۹

درجهان آن روز نیز خواندن و نوشتن و علم و قلم از اهمیت کمی برخوردار بود.^۴

برخی از آیات به این مسئله می پردازند که علم و دانش یکی از معیارها و ملاک های انتخاب و گزینش افراد برای منصب ها است. آیات ۲۴۷ سوره بقره و ۹ زمر به همین موضوع اشاره دارد: “خداوند او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند ملکش را به هر کس بخواهد می بخشد...”
“آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند...”

رابطه تنگاتنگ و ناگسستنی علم با ایمان و دریافت مفاهیم و اسرار قرآنی در آیه ۷ سوره آل عمران و ۱۶۲ سوره نساء، ۱۰۷ سوره اسراء، ۵۴ سوره حج، ۴۹ سوره عنکبوت، ۶ سوره سبأ، نیز نمونه هایی است که از آنها این حقیقت استفاده می شود.

• ترس از خداوند محصول دانش است: “از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می ترسند.”^۵

^۴ تفسیر سوره علق، حاج آقا قرآتی

^۵ فاطر، ۲۸

- علم مقدمه ای است برای اثبات حق: “هر گاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.”^۶

- علم حجت را بر انسان تمام می کند: ” و اگر از هوی و هوس های آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده ای هیچ سر پرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.”^۷

- علم زمینه ساز عوامل نجات انسان از عذاب قیامت است: “خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می

^۶ آل عمران، ۶۱

^۷ بقره، ۱۲۰

بخشد... (در این هنگام) کسانی که به آنها علم داده شده می گویند: “رسوایی و بدبختی امروز بر کافران است” و ...^۸

• هم قرین بودن گواهی و شهادت عالمان و دانشمندان با شهادت خدا و ملائکه: “گواهی می دهد که معبودی جز او معبودی نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (هر کدام به گونه ای بر این مطلب) گواهی می دهند...”^۹

• صاحبان دانش به پیروی سزاوترند: “ای پدر دانشی بر من آمده که برای تو نیامده است، بنابر این از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم.”^{۱۰}

• علم و دانش مایه بصیرت و بینایی است: “اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: وای بر شما ثواب الاهی برای کسانی که ایمان آورده اند و

^۸ مجادله، ۱۱. نحل، ۲۷

^۹ آل عمران، ۱۸

^{۱۰} مریم، ۴۳

عمل صالح انجام می دهند بهتر است، اما جز صابران

آن را دریافت نمی کنند.” (قصص، ۸۰)

بنابراین علم و دانش دارای چنان اهمیتی است که پیامبر اولوالعزم مشقت های یک سفر سخت و پر مخاطره را به جان می خورد. تا بتواند به آگاهی و دانش بیشتری دست یابد. این داستان در سوره کهف از آیه ۶۵ تا ۷۶ در قصه حضرت موسی و خضر (ع) آمده است: “آیا از تو پیروی کنم تا از آن چه به تو تعلیم داده شده و مایهٔ رشد و صلاح است، به من بیاموزی.”

جایگاه علم در بیانات مقام معظم رهبری

در این قسمت گزیده ای از سخنان رهبری در رابطه با جایگاه ، نقش و اهمیت علم بیان می گردد:

- امروز کسانی در دنیا زور می گویند، خلاف قوانین بین المللی رفتار می کنند، وقیحانه ترین موضع را در دنیای تعامل بین المللی انسان ها ملت ها و دولت ها- می گیرند و خجالت هم نمی کشند؛ سرشان را هم بالا می گیرند. چرا؟ چون قدرت دارند؛ قدرت اقتصادی و سیاسی -که از اقتصادی ناشی می

شود- و بالاتر از همه ی این‌ها، قدرت علمی، که منشأ همه ی این‌هاست؛ یعنی منشأ قدرت اقتصادی و سیاسی‌شان هم قدرت علمی است. ما این طرف دنیا حرف‌های حقّ زیادی داریم؛ حرفمان را شجاعانه می‌زنیم، منطقمان را در صحنه‌های رویارویی منطقی هم اثبات می‌کنیم، در عمل هم البته چون توفیق الهی شامل حال این ملت شده و ایمان دارد، به قدر ایمان خودش، پیشرفت می‌کند؛ یعنی نتوانسته‌اند هم به آرزوهای خودشان در مورد این ملت برسند؛ اما احتیاج به یک چیز دیگری هم داریم و آن، عبارت است از قدرت بین‌المللی، تا بتوانیم این راه را بی‌دغدغه، درست، به‌طور کامل، همه‌جانبه و بی‌کم و کاست ادامه دهیم و به اهداف و آرمان‌هایمان برسیم. این قدرت را -قدرت اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی- چطور می‌توانیم به دست آوریم؟ پایه و مایه همه ی این‌ها، قدرت علمی است! یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه ی افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال این‌ها به دست می‌آید، پول تابع

توانایی‌هاست. امروز این‌طوری است؛ علم را می‌شود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این، جایگاه علم است. ما از علم عقب ماندیم. نه فقط در دوران پنجاه ساله‌ی منحوس پهلوی - که البته در این دوران، از لحاظ عمق علمی، پدر این مملکت را در آوردند. حالا خود تحلیل این مسئله، یک تحلیل تاریخی - اجتماعی است و یک مسأله‌ی مهمی است - بلکه از قبل از آن. دوران قاجاریه و پهلوی مظهر این عقب‌ماندگی علمی است. ما حالا داریم تلاش می‌کنیم که بتوانیم این درّه‌ی وسیع را پُر کنیم. وظیفه‌ی دانشگاه در این کشور، این‌هاست که این درّه‌ی علمی را پُر کند. هرچه می‌توانید، علم بیاموزید.

- من جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت می‌کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود. ایجاد فرهنگ و اندیشه‌ی صحیح در جامعه نیز جهاد است. اینها، همه جهاد در راه خدا و جهاد فی سبیل الله است. طرف این جهاد، مستکبران، دشمنان و کسانی

هستند که با اسلام، ایران، هویت، ملیت، اسلامیت و صفتهای اسلامی عناد و دشمنی دارند.^{۱۱}

● علم مقوله‌ی بسیار مهمی است. امروز انسان وقتی به راههای مختلف برای پیشرفت کشور نگاه می‌کند، می‌بیند همه منتهی می‌شود به علم. لعنت خدا بر کسانی که در طول ده‌ها سال کشور را از پیشرفت علمی بازداشتند. وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فناوری را هم با خودش می‌آورد، و پیشرفت فناوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به وجود می‌آورد. اگر علم نباشد، هیچ چیز نیست. و اگر فناوری هم باشد، فناوری عاریه‌ی بی‌دروغی و وام‌گرفته‌ی از دیگران است: مثل صنعت‌های مونتاژی که وجود دارد. در واقع علم را باید رویانید.^{۱۲}

● قدرت پیدا کنید. اگر ایران اسلامی بتواند در زمینه‌ی علمی سخن خودش را در حد سخنان اول دنیا دریاورد، کار شدنی است. چون علم، ثروت هم ایجاد می‌کند، قدرت نظامی هم

^{۱۱} دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان-۸۱/۱۲/۶

^{۱۲} دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما-۸۳/۹/۱۱

ایجاد می کند، اعتماد به نفس هم ایجاد می کند. من بارها گفته ام، باز هم می گویم و باز هم بارها تاکید خواهم کرد که پایه و زیر بنای اقتدار آینده ی شما ملت عزیز در قدرت علمی است.^{۱۳}

• خود علم ارزش است، این ارزش را کسانی می توانند به ضد ارزش تبدیل کنند که از آن علیه منافع بشریت استفاده کنند. اما خود دانش یک ارزش است. به برکت دانش، معرفت خدا هم آسان می شود. کسانی که دارای علم اند، بیشتر می توانند حقانیت پیام پیغمبران و حقانیت پیام راستین اسلام را بفهمند. علم را با شهوات، با غرضها، و با چیزهایی که در عالم مادی و گرایش های مادی وجود دارد، نباید مخلوط کرد.^{۱۴}

• آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان بدست آوریم و در چاه های نفت را پلمپ کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخائرمان میخوریم. بیشتر بودجه ی کشور از نفت است. نفت ذخیره ی ماست. گنجینه مان را از روی ناچاری داریم تخلیه می کنیم. باید روزی برسد که بتوانیم

^{۱۳} دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل های دانشجویی - ۸۴/۷/۲۴

^{۱۴} دیدار نخبگان جوان دانشگاهی - ۸۷/۶/۵

از دانش خود نان بخوریم و این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد. یک هم افزائی پی در پی دارند: علم به ثروت کمک می کند، ثروت به علم کمک می کند. دائماً هم افزایی به وجود می آید. ما باید دنبال این روز باشیم. البته جهت گیریها، باید جهت گیریهای درست و معنوی و الهی باشد.^{۱۵}

● اسلام عزیز بزرگترین مشوق علم است و چنین بود که در طی قرن های پی در پی، مسلمانان پرچم دانش و معرفت و پیشرفت علمی را در همه ی جهان در دست داشتند، و امروز که پس از دوران تلخ تسلط سیاست های بیگانه بر کشورمان، بار دیگر ملت ایران آزادی از نفوذ استکبار جهانی را می آزماید، جهاد علمی یکی از بزرگترین فرائض ماست.^{۱۶}

● دین، طرفدار و مشوق علم است. آن کسانی که علمای بزرگ هستند همه جزء علمای بالله اند. مثلاً ابن سینای پزشکی که کتاب "قانون" اش تا اندکی پیش در اروپا به عنوان یک منبع

^{۱۵} دیدار نخبگان جوان دانشگاهی - ۸۷/۶/۵

^{۱۶} پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاه ها ۷۸/۷/۶

در دانشگاهها مورد مراجعه بوده، یک عالم دینی است. آدمی است که در عرفان می نویسد، در فلسفه هم می نویسد. فارابی و دیگران هم همینطور بودند. البته، موارد بسیار معدودی هم وجود دارند که از این قبیل نبودند، یعنی عالم علوم طبیعی، عالم دین به حساب نمی آمده است. از این قبیل هم داریم اما کم. بنابراین علم و دین با هم پیش رفتند و دین به علم کمک کرده است. این یک حقیقت بسیار مهم است که امروز خوشبختانه در کشور ما وجود دارد. بچه های ما مذهبی و دینی اند.^{۱۷}

- اگر زنجیره تولید دانش، تبدیل دانش به فناوری، تولید محصول و در نهایت تجاری سازی علم تکمیل شود، مسیر تولید علم به تولید ثروت ملی کشور و پاسخگویی به نیازهای ملت منتهی خواهد شد.^{۱۸}

- علم را باید با دین همراه دانست. علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت. این جزو تعالیم اولیه ی ما باید باشد؛ در همه جا، و توفیقات این علم هم بیشتر است، این را

^{۱۷} دیدار با نخبگان علمی سراسر کشور ۷/۱۹/۷۸

^{۱۸} مقام معظم رهبری، نوروز ۹۰، مشهد مقدس

به شما عرض بکنم . نگویند اگر علم را مقدس کردیم و با دین همراه کردیم و مومن کاری در آوردیم، دیگر پیشرفت نمیکند ، نخیر، الان همین خود جهاد دانشگاهی شما ، همین مجموعه کارهای شما – که به وسیله عناصر مومن این همه کار بزرگ انجام گرفته – نشان دهنده ی این است که علم وقتی با ایمان همراه باشد توفیقاتش هم بیشتر خواهد بود^{۱۹}

● تمدن واقعی برای مردم ما تمدن ایرانی است، تمدنی است که متعلق به خود ماست، از استعدادهای ما جوشیده و با شرایط زندگی ما در هم آمیخته و چفت شده است . راه حل حقیقی راه حل بومی است. باید بذر سالم خودمان را بپاشیم و مراقبت کنیم تا سبز شود ، دنبال تقلید از این و آن نباشیم؛ دنبال سخن گفتن با زبان و لغت بیگانه و عاریه گرفتن از تجربه های دست چنم آنها نباشیم، نه اینکه از فراورده های علمی دیگران بهره نبریم ، چرا، صددرصد معتقدم که باید از همه تجربه های علمی بشری

^{۱۹} بیانات در بازدید از پژوهشکده ی رویان ۸۶/۴/۲۵

بهره برد. پنجره ها را نمیندیم؛ هر کس که در دنیا کار خوبی کرده آن را انتخاب میکنیم.^{۲۰}

● باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبکاری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود: «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه».^{۲۱}

● باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه ی قوی هستند، دست شما را می پیچانند. جوان هاتان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب در ردیفهای آخرِ آخرِ علمی دنیا قرار داشتیم، که هیچ نگاهی به طرف ما جلب نمیشد. امروز به برکت انقلاب،

^{۲۰} بیانات در جمع جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت-۸۰/۲/۱۲

^{۲۱} شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹

به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی میکنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه ی شانزدهم دنیا است. ^{۲۲}

● نقطه ی قوّت دیگر، پیشرفت علمی است. عزیزان من! این پیشرفت علمی را دست کم نگیرید. این پیشرفتها خیلی مهم است. علم، پایه ی پیشرفت همه جانبه ی یک کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «العلم سلطان» علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، می تواند به همه ی مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه ی دنیا زور بگویند. البته ما هرگز زور نخواهیم گفت، اما علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است». ^{۲۳}

● من میخواهم این را به مسئولین دولتی بگویم که سرمایه گذاری در تولید علم و نوآوری علمی، برای کشور ما و ملت ما سود مضاعف داشته؛ این راه را رها نکنید. سرمایه گذاری برای تولید

^{۲۲} مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

^{۲۳} مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

علم و برای نوآوری‌های علمی و برای پیشرفت علمی بایستی روزبه‌روز بیشتر شود؛ نباید کم شود.^{۲۴}

● نکته‌ای که من میتوانم به شما عرض بکنم این است که بدانید: سیاست "پیشرفت علمی با شتاب بالا" یک سیاست بنیادی برای نظام است؛ مجموعه‌ی مغز متفکر دستگاه کشور به این نتیجه رسیده است که گذر از دشواری‌ها، عبور از خطرگاه‌ها و لغزشگاه‌ها در ایران اسلامی، اگر به دو سه رکن و مقدمه نیاز داشته باشد، یکی، پیشرفت علمی است؛ این یک سیاست بنیادی است، از حدود ده دوازده سال پیش این سیاست دارد دنبال میشود .^{۲۵}

جایگاه علم در زندگی انسان^{۲۶}

پیدایش علم و دانش با خلقت انسان برابری می کند و همواره بشر در صدد آن بوده که بفهمد و درک نماید. علم و دانش در زندگی انسان دارای جایگاه ویژه ای است ؛ نقش علم در زندگی انسان این است که راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به انسان می

^{۲۴} دیدار با جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی

^{۲۵} دیدار شرکت کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۲/۰۷/۱۷

^{۲۶} پایگاه اینترنتی حوزه

آموزد. علم، انسان را توانا می کند که آینده را همان گونه که می خواهد بسازد. علم مانند ابزاری در اختیار خواست انسان قرار می گیرد و طبیعت را آن چنان که انسان بخواهد و فرمان دهد می سازد.

جایگاه و نقش علم و فناوری در تمدن سازی ایرانی - اسلامی^{۲۷}

پیامبر اکرم (ص) پیروانش را به فراگیری علم و دانش تشویق می کرد. کودکان اصحابش را وادار کرد که سواد بیاموزند، برخی از یارانش را فرمان داد زبان سریانی بیاموزند. این تأکید و تشویق ها در باره علم سبب شد که مسلمانان با همت و سرعت بی نظیری به جست و جوی علم در همه جهان پرداختند، آثار علمی را هر کجا یافتند به دست آوردند و ترجمه کردند و خود به تحقیق پرداخته و از این راه علاوه بر این که حلقه ارتباطی شدند میان تمدن های قدیم یونانی و رومی و ایرانی و مصری و هندی و غیره، و تمدن جدید اروپایی، خود یکی از شکوهمندترین تمدن ها و فرهنگ های تاریخ

^{۲۷} پایگاه اینترنتی حوزه

بشریت را آفریدند که به نام تمدن و فرهنگ اسلامی شناخته شده
و می شود.

بنابراین دردوران کنونی نیز ترس دشمنان از تولید علم به قصد
تبدیل به فن آوری و تجاری سازی از آن روست که تمدن اسلامی
در سایه شکوفایی اقتصادی فراگیر در عصر کنونی ایجاد شود و به
عنوان الگو به جهان و جهانیان معرفی شود، لذا تمام همت خویش
را مبذول این معنا کرده اند تا از این تحول و دگرگونی مثبت
جلوگیری کنند. آن چه موجب هراس دشمنان امت اسلام و ایران
اسلامی است، تبدیل ایران به یک نظام و جامعه برتر در جامعه
جهانی است؛ زیرا می تواند به عنوان الگوی رهایی و عدالت خواهی
و روحیه خودباوری در جهان مطرح شود و بساط دشمنان بشریت را
برچیند.

اگر نظام جمهوری اسلامی بتواند موفقیت خود را در دیگر
عرصه ها به نمایش بگذارد و نمونه ای کامل از تمدن اسلامی
مبتنی بر عدالت را به جهانیان ارائه دهد و به نوعی بهشت زمینی را
شکل بخشد، آن گاه است که دشمنان بشریت به فغان خواهند

افتاد؛ زیرا ارائه چنین اسوه و نمونه ای از جامعه برتر می تواند تمامی بساط ستمگران و مستکبران را گرد آورد و از تخت فرو کشد.^{۲۸}

جایگاه ایران در تولید علم جهان^{۲۹}

اصولاً ایرانیان با داشتن سوابق ممتد در تمدن و فرهنگ، شایستگی آن را داشته اند که ملت های دیگر را تحت تأثیر قرار داده و آنها را پیرو خویش قرار دهند. حتی پیامبر اسلام (ص) با بیان رسا عشق و علاقه ایرانیان را به فرهنگ و علوم اعلام فرمود و امیرالمؤمنین علی (ع) ایرانیان را حکما و بزرگواری معرفی فرمود. زمانی که از جایگاه توسعه علمی صحبت می شود، دو مسئله مد نظر است: یکی بحث رتبه بندی تولید علم و جایگاه کشور در آن است و این مسئله که چه اندازه می تواند جایگاه واقعی تولید علم را مشخص کند. دیگر بحث بررسی سایر شاخص ها است که مثلاً این تولید علم تا چه میزان در عرصه جامعه تأثیر داشته یا نمود خارجی این تولید علم در کجا مشخص است (چقدر میان مراکز علمی و کاربردی رابطه وجود دارد). همچنین آیا علم تولید شده در کشور ایران مورد استفاده قرار گرفته یا با توجه به سیل مهاجرت نخبگان

^{۲۸} روزنامه ی کیهان، اردیبهشت ۹۰

^{۲۹} پایگاه خبری تحلیلی سخن آنلاین

ایرانی به کشورهای غربی نمود خارجی این مهم در کشورهای خارجی پدید آمده است. بر این اساس، در این مختصر در دو بخش این موضوع بررسی می‌شود: نخست، جایگاه ایران در تولید علم جهان براساس آمار منابع استنادی و دوم، بررسی نمود عینی علم تولید شده و بحث کاربردی شدن آن .

الف) جایگاه ایران در تولید علم جهان براساس آمار منابع استنادی:

تجربه نشان داده است زمانی که سخن از رتبه‌بندی علمی کشورها و نقش آن‌ها در تولید علم به میان می‌آید، معیارهای متنوع و شاخص‌های متفاوتی برای ارزیابی این مهم مطرح می‌شود؛ بر این اساس، منابع استنادی گوناگونی عرض اندام می‌کنند و صف‌بندی کشورهای رقیب براساس شاخص‌های آنان پدیدار می‌شود. با این وجود، سه منبع مهم برای ارزیابی نقش کشورها و رتبه آن‌ها در تولید علم بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است: **ISC** در ایران، **Scopus** در هلند و **ISI** در ایالات متحده آمریکا. این پایگاه‌ها دانشگاه‌های جهان را رصد می‌کنند و به رتبه‌بندی دقیق‌تری مشهورند.

براساس آخرین آمار پایگاه تامسون رویترز (ISI) جمهوری اسلامی ایران از ابتدای سال ۲۰۱۳ میلادی تا دهم ماه مارس (بیستم اسفندماه) با تولید ۲۹۲۵ مقاله معادل ۱/۶۶۶ درصد از کل تولید علم جهان، رتبه هفدهم دنیا را به خود اختصاص داده است. براساس این منبع استنادی، کشور ترکیه که در منطقه به‌عنوان رقیب ایران مطرح می‌شود، پس از کشور ما با تولید ۲۶۲۷ مقاله (۱/۴۹۶ درصد از کل تولید علم جهان) در منطقه دوم و در دنیا نوزدهم است. سرپرست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) با بیان اینکه از ابتدای سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون ایالات متحده آمریکا با تولید ۵۱۷۲۱ مقاله و کسب سهم ۲۹/۴۵۱ درصدی از کل تولید علم جهان جایگاه نخست را به دست آورده است، تصریح کرد: «رتبه‌های دوم تا پنجم به کشورهای جمهوری خلق چین با تولید ۲۲۷۱۶ مقاله، انگلستان، آلمان و ژاپن تعلق دارد. بر این اساس، کشورهای فرانسه، کانادا، ایتالیا، اسپانیا و استرالیا پنج کشور دیگر هستند که رتبه‌های ششم تا دهم تولید علم جهان را به خود اختصاص داده‌اند.»

همچنین طبق داده‌های موجود در پایگاه استنادی Scopus، جمهوری اسلامی ایران تا ششم مهرماه سال جاری با تولید ۲۷۳۰۶ مقاله رتبه اول منطقه و مقام شانزدهم تولید علم جهان را در اختیار دارد. طبق مستندات این پایگاه، دانشمندان و پژوهشگران ایران به تازگی ۱/۵۸ درصد از کل تولید علم دنیا را به خود اختصاص داده‌اند.

براساس آمار این پایگاه ترکیه با یک رتبه تنزل از رتبه هجدهم به رتبه نوزدهم تولید علم جهان بعد از ایران مقام دوم منطقه را در اختیار دارد. بدین ترتیب از مجموع کشورهای اسلامی تنها جمهوری اسلامی ایران و ترکیه موفق به حضور پربار در بین بیست کشور برتر تولیدکننده علم جهان شده‌اند، ولی بحث جایگاه واقعی علم در کشورها موضوعی دیگر است.

شاخص‌های دیگری هم برای سنجش تولید علم مطرح است که هیچ‌گاه به آن اشاره نمی‌شود؛ از جمله ده‌ها شاخص علمی مغفول مانده می‌توان به تعداد اختراعات، تجاری‌سازی اختراعات، تعداد دانشگاه‌ها، بودجه پژوهشی کشورها و نسبت آن با تولید ناخالص داخلی، سرانه تحقیقات، اعضای هیئت علمی و جوایز نوبل

اشاره کرد. در این زمینه‌ها متأسفانه کشورمان در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته است .

(ب) بررسی نمود عینی علم تولید شده و بحث کاربردی شدن آن:

دو مسئله مطرح است: یکی بحث کاربردی و تجاری شدن علم است و دیگر بحث تمدن‌سازی علم تولید شده که به صورت مختصر بدان اشاره خواهد شد. وقتی به رقم خیره‌کننده تولید علم توسط آمریکا که در بالا به آن اشاره شد نگاهی دقیق می‌اندازیم، فاصله بسیار زیاد این کشور را در این جایگاه مشاهده می‌کنیم اما نکته‌ای که در این نگاه اجمالی از آن غفلت می‌شود این است که این آمار را مهاجران به کشور ایالات متحده پدید آورده‌اند.

طبق مراکز اداره‌ی آمار ایالات متحده، مهاجران آلمانی تبار بیشترین نقش را در این خیز علمی و فاصله شگفت‌آور کشور آمریکا با دیگر کشورهای جهان ایجاد کرده‌اند. بررسی آمارهای دیگری مانند میزان تحصیلات شهروندان آمریکایی نیز این نکته را ثابت می‌کند که شهروندان آلمانی تبار با رتبه اول و شهروندان ایرانی تبار با رتبه دوم بیشترین میزان تحصیلات را نسبت به دیگر مهاجران و

شهروندان بومی آمریکایی به خود اختصاص داده‌اند. این افراد کسانی بودند که به علت شکاف واقعی در کاربردی کردن علم به صنعت یا علم و مراکز فنی، کاریابی یا عرصه‌های تصمیم‌گیری (برای برخی رشته‌های علوم انسانی) به کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده و شکوفایی علمی و فنی و اقتصادی و درنهایت تمدن‌سازی را موجب شده‌اند؛ در حالی که صاحبان امر در کشورهای مبدأ از استعداد و تلاش‌های آن‌ها غافل و محروم مانده‌اند.

میزان تأثیرگذاری علم در جهان غرب به اندازه‌ای است که اگر کسی در رشته یا زمینه‌ای که در آن مطالعه علمی ندارد صحبتی می‌کند نه تنها جدی گرفته نمی‌شود بلکه به شدت مطرود می‌گردد؛ زیرا بافت علمی و تجاری به هم پیوسته است و اظهار نظرهای غیرتخصصی می‌تواند زیان‌های مالی مشخصی را به بار آورد که مطمئناً با توجه به رابطه نزدیک بخش خصوصی با دانشگاه‌ها لطمه و خسارت این تفکر غیرحرفه‌ای به بخش خصوصی وارد می‌آید و

بنابراین از آن اجتناب می‌شود. این مسئله به تخصصی‌تر شدن علم در امر تمدن‌سازی کمک شایانی کرده است.^{۳۰}

تولید علم فقط تولید مقاله نیست و اگر علم تأثیری در وضعیت معیشت و زندگی اجتماعی مردم یک جامعه نداشته باشد، قابل استفاده نیست. علم یا باید منجر به افزایش ثروت ملی شود و یا مشکلاتی که مردم با آن دست‌به‌گریبان هستند را برطرف کند. به همین شکل است که در فلسفه مدرن غرب و فلسفه علم در قرون جدید بحث افزایش قدرت و ثروت ملی با تجربی و تجاری بودن آن رابطه نزدیکی پیدا می‌کند.^{۳۱}

بنابراین آمارها در ارتباط با ایران نشان از استعداد فراوان نخبگان کشور دارد و رشد و گسترش زمینه‌هایی که می‌تواند به برجسته کردن سهم ایران در تمدن‌سازی، نه تنها در سطح منطقه و کشورهای اسلامی بلکه در سطح جهان، منجر شود اما نمی‌توان با احداث سازمانی به نام بنیاد نخبگان و ملاک قرار دادن مقاله چاپ شده علمی که بتواند رتبه ما را در جهان بالا ببرد تمدن‌سازی واقعی

^{۳۰} دانش ایران در سطح بین‌المللی، ۱۳۸۰

^{۳۱} دانش ایران در سطح بین‌المللی، ۱۳۸۰

را شکل داد. امروز نخبگان جوان کشور آماده بر عهده گرفتن نقش بیشتر و جدی‌تری در این زمینه هستند و لازمه این مهم تخصیص منابع مالی و پشتیبانی واقعی از سوی مراکز علمی مستقل است و نمی‌توان تنها با تکیه بر دولت کاری اساسی و جدی انجام داد.

قابل ذکر است تنها در محدوده همین توجه اندک به مقوله علم و فناوری در حال حاضر صدها پژوهشگاه، پژوهشکده، پارک های علم و فناوری، شرکت های دانش بنیان به وجود آمده‌است که هر کدام از این نهادها مستقیماً به امر تولید علم می‌پردازند. شاید پژوهشگاه رویان برجسته ترین نمونه از این نهادها باشد. این پژوهشگاه در طول حیات علمی خود موفقیت های بزرگی در حوزه های علوم تولید مثل، سلول های بنیادی و زیست فناوری کسب کرده‌است.^{۳۲}

جایگاه نخبگان در توسعه علمی کشور

پرفسور فردریک هابینسون از دانشگاه پرینستون معتقد است که نیروهای انسانی و بویژه نخبگان آنها اساس ثروت ملت ها را

^{۳۲} پایگاه اینترنتی پژوهشگاه رویان

تشکیل می دهند و سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی و حاشیه ای ترند. وی معتقد است دولتی که نتواند مهارت و دانش مردمانش را توسعه دهد و از آن بهره برداری کند، توانایی توسعه را نخواهد داشت. انسان ها هم هدف و هم وسیله توسعه اند و به جای آنکه در حاشیه توسعه باشند باید مصدر فعل و عمل قرار گیرند.^{۳۳}

در جهان امروزی نیروی انسانی ماهر و خلاق در فرآیند توسعه پایدار نقش اساسی دارد. به طوری که در جوامع صنعتی حدود ۷۰ درصد سرمایه های ملی را نیروی انسانی کارآفرین تشکیل می دهد و ابزارهای دیگر توسعه نظیر انرژی و سرمایه در اولویتهای بعدی قرار دارند. در این میان نقش نخبگان علمی، اجرایی و فنی به منزله مغز متفکر و موتور محرکه توسعه، مضاعف است زیرا نخبگان دارای برجستگی ها و توانایی های بالقوه می باشند که نگاه موشکافانه به مسائل دارند و می توانند منشأ تحولات بنیادین در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور باشند.^{۳۴}

^{۳۳} خبرگزاری مهر، مرداد ۱۳۹۱

^{۳۴} روزنامه ای اعتماد، شهریور ۱۳۹۲

نقش نخبگان و صاحب‌نظران از جمله مسائل بدیهی است که در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه در فرایند توسعه مورد غفلت واقع می‌شود. نخبگان علمی و دانشگاهی به انجام تحقیقات و مطالعات خویش مشغولند و عموماً داده‌های علمی آنها، بویژه در حوزه علوم انسانی و بالخصوص در عرصه کشورداری اگر اجازه چاپ و انتشار یابند در لابلای کتب و مجلات معتبر علمی در کتابخانه‌ها بایگانی می‌شود. این در حالی است که مهمترین سرمایه در فرایند توسعه پایدار، نقش و جایگاه نخبگان و به طور کلی نیروهای انسانی کارآمد و فرهیخته است.^{۳۵}

توسعه، به نخبگان و مجریانی نیاز دارد که علاوه بر توانایی فکری، از نظر شخصیت و اخلاق نیز با دیگران متفاوت باشند. شخصیت، اخلاق و فرهنگ سیاسی حاکم بر نخبگان، به مراتب مهم‌تر از افکار و تخصص آنهاست. زیرا در حیطه علم می‌توان از فکر کسی، استفاده کرده و نتیجه تحقیقات، تخصص و علم او را در روند توسعه به کار بست؛

^{۳۵} روزنامه ی شرق، مرداد ۱۳۸۶

برخی از دیدگاه های مقام معظم رهبری در رابطه با نخبگان

علمی به شرح زیر است :

- از حمایت و کمک به نخبگان باید دفاع شود. حمایت از نخبگان باید یک فرهنگ شده و به یک مسئله جدی تبدیل شود.
- بخشی از نخبه پروری مربوط به دستگاه های تصمیم گیرنده و دولتی است ولی بخش اصلی آن به عهده خود نخبگان، اساتید و آموزگاران است.
- هدف در مورد نخبگان باید این باشد که در کشور احساس بن بست نکنند و احساس کنند می توانند از استعداد خود استفاده نمایند.
- دلگرمی محقق و پژوهشگر و اهل علم، اساس کار است.
- وجود تبعیض بین نخبگان و غیرنخبگان نه تنها با عدالت تناقض ندارد بلکه عین عدالت است.

- باید نگاه به علم را در جامعه بعنوان یک ثروت معنوی تقویت کنیم. نخبگان، این فرهنگ را بیش از دیگران می توانند در جامعه گسترش دهند.
- وظیفه نخبگان فکری و فرهنگی در کشورهای اسلامی، تفهیم قدرت مسلمانان به آنها در مقابل استعمار است.

پدیده فرار نخبگان و ارتباط آن با توسعه و خوداتکایی کشور

همزمان با افت میزان و کیفیت سرمایه گذاری ثابت و خروج سرمایه های مالی کشور، بخش انبوهی از سرمایه نیروی انسانی نیز از کشور خارج می شود. طبق آمار صندوق بین المللی پول، ایران در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته رتبه اول فرار مغزها را دارد.

در ایران پدیده ی مهاجرت نخبگان و متخصصان به خارج از مرزها به عنوان یک آسیب اجتماعی سابقه ای بیش از ۴۰ سال دارد و به دوران پیش از انقلاب باز می گردد. بنابراین این تراژدی

غمناک هر روز پیچیده تر شده و ابعاد جدیدتری را به خود اختصاص می دهد. به نحوی که هم اکنون در ایران، بسیاری از ورودی های دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی با رتبه ی دو رقمی ، در سال دوم تحصیل برای ادامه ی تحصیل پس از دوره ی کارشناسی، نامه ای از بهترین دانشگاه های دنیا با بهترین امکانات دریافت می کنند. دانشگاه های برتر کشور تبدیل به مکانی برای ترانزیت نخبگان شده و اساتید نقش واسطه را در این بین ایفا می کنند. برگزاری المپیادهای علمی، جشنواره ی خوارزمی، صدها همایش و کنفرانس که با پول بیت المال برگزار می شود، اگر هیچ سودی نداشته باشد حداقل در این زمینه فعالانه مؤثر بوده و راه را برای افرادی که قصد خروج از کشور را دارند، هموار می کند .^{۳۶}

طبق آمار صندوق بین المللی پول، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل کرده برای خروج از ایران اقدام می کنند. در سال ۱۳۸۸ وزارت علوم ایران اعلام کرد از ابتدای انقلاب ۱۳۵۷، از میان ۱۲ هزار دانشجویی که با هزینه دولت به کشورهای مختلف رفتند ۴۰۰ نفر باز نگشته اند و همچنین ۶۰ هزار

^{۳۶} راه سبز، ۱۳۸۸

دانشجوی ایرانی خارج از ایران تحصیل می‌کنند. طبق آمارهای رسمی نسبت خروج فارغ التحصیلان از ایران به تعداد کل این افراد، ۱۵ درصد است.

در سال ۲۰۰۶ میلادی، ۱،۵٪ از تولید ناخالص داخلی صرف نیازهای آموزشی کشور شد که در مقایسه با دیگر کشورهای جهان در جایگاه رتبه ۶۷ قرار داشت. بنیاد ملی نخبگان ایران اعلام کرد که ۳۰۸ نفر از دارندگان مدال المپیاد و ۳۵۰ نفر از برترین‌های آزمون سراسری از سال ۸۲ تا ۸۶ به خارج مهاجرت کرده‌اند.

طبق آمار منتشره ۹۰ نفر از ۱۲۵ دانش آموزی که در سه سال گذشته در المپیادهای جهانی رتبه کسب کرده‌اند، هم اکنون در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند. بسیاری از آنان هرگز به ایران جهت زندگی دائم باز نمی‌گردند. همچنین بنا بر آمار رسمی در سال ۱۳۹۱ حدود ۱۵۰ هزار دانشجو تقاضای خروج از کشور را کرده‌اند که بیشترشان دانشجوی دوره دکترا بودند. خروج این شمار از دانشجویان معادل ۱۵۰ میلیارد دلار خسارت به ایران وارد می‌کند.^{۳۷}

^{۳۷} هفته نامه‌ی سازمان مدیریت و برنامه ریزی

طبق آمار صندوق بین‌المللی پول هم اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالیه در آمریکا زندگی می‌کنند و طبق آمار رسمی اداره گذرنامه، در سال ۸۷ روزانه ۱۵ کارشناس ارشد، ۲/۳ دکترا و سالانه ۵۴۷۵ نفر لیسانس از کشور مهاجرت کردند. گزارش صندوق بین‌المللی پول در ادامه افزوده است که بیش از ۱۵٪ سرمایه‌های انسانی ایران به آمریکا و ۲۵٪ به کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا مهاجرت می‌کنند.

از آسیب‌های فرار نخبگان به سایر کشورها می‌توان به خالی شدن کشور از نخبه‌ها و مخترعین، عقب افتادگی کشور از لحاظ علم، فن، فناوری، صنعت جدید، فقیر شدن کشور و وابسته تر شدن به جوامع پیشرفته، افزایش بیکاری در کشور کاهش نیروهای علمی، فکری، فرهنگی و واگذار کردن امور مهم کشور به افراد با توانایی کمتر و پائین تر. اشاره نمود.

فصل دوم: وقف

در این فصل ابتدا با فلسفه تاسیس و ترویج نهاد وقف در اسلام آشنا خواهید شد و در ادامه مقوله وقف را در آیینه آیات و روایات می خوانید. در قسمت وقف از منظر بزرگان گفتارهای امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری، آیت الله جوادی آملی و حجت السلام قرائتی را مرور خواهید کرد.

یکی دیگر از عناوین این فصل، جایگاه وقف در سایر ادیان و ملل است که در این قسمت موضوعاتی چون وقف و بخشش در مسیحیت، بخشش در فرهنگ یهود، وقف در ایران و بخشش در بین مصریان قدیم مورد بررسی قرار گرفته است.

دیگر قسمت این فصل آثار و کارکردهای وقف است که یکی از مهم ترین قسمت های این فصل است. در این قسمت آثار و کارکردهای وقف از جنبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بررسی شده است.

یکی از جالب ترین قسمت های این فصل وقف های خواندنی است که بیش از چند مورد از وقف های جالب و ابتکاری در طول تاریخ و حال حاضر بیان شده است.

تعریف وقف

وقف عبارت است از حبس کردن مال، تصرف نکردن در آن و بخشیدن منفعت های حق استفاده از آن در راه خیر. به عبارتی وقف به معنی نگاه داشتن دایمی اصل مال و بهره برداری از منافع آن برای خیرات است این عمل نیک، با ۱۴ قرن سابقه در اسلام، ابتدا با توجه به حدیثی از پیامبر(ص) صدقه جاریه نام داشته است. وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». (ماده ۵۵ قانون مدنی). جمع این واژه اوقاف است. به مال و زمین وقف شده، موقوفه گفته می شود وقف از جمله عقود معینی است که در فقه امامیه از اعتبار خاصی برخوردار می باشد. در ایران در تشکیلات اداری دوره سامانیان (۲۶۱-۳۸۹ هجری) از دیوان موقوفات و یا دیوان اوقاف نام برده شده که کار رسیدگی به امور مساجد و اراضی موقوفه بوده است.

جایگاه وقف در اسلام^{۳۸}

فلسفه تأسیس و ترویج نهاد وقف در اسلام بر کردن خلأها و برطرف کردن نیازهای فرهنگی اجتماعی و اقتصادی در جامعه اسلامی است. وقف از افتخارات دین اسلام است و به طور غیرمستقیم در قرآن و به طور مستقیم در سیره‌ی پیامبر (ص) و ائمه (ع) به آن توجه فراوان شده است. از نظر اسلام وقف راه‌گشایی برای رفع محرومیت‌های مادی و معنوی جامعه و یادگار جاودانه‌ای از کرامت انسان به پیشگاه بشریت و پیوند با آفریدگار متعال است. هر چند در هیچ یک از آیات قرآن صریحا به وقف اشاره نشده است اما، علمای اسلام از کلیت برخی مفاهیم اخلاقی که در قرآن ذکر شده است چنین نتیجه می‌گیرند که وقف مورد تأیید قرآن است. قرآن در توسعه‌ی فرهنگ وقف در جامعه‌ی اسلامی تأثیر محتوایی و موضوعی داشته است. ذکر آیه‌ی (فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ ان اللہ سمیع علیم) در وقف‌نامه‌ها نشانه‌ی تأثیر قرآن در گسترش فرهنگ در جامعه‌ی

^{۳۸} شهابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، ص ۱۱۲

اسلامی است. همچنين رفتار و شیوهی پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) به صورت قول یا فعل در رواج و گسترش وقف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وقف از منظر آیات و روایات

قال الله تعالى :

وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً^{۳۹}

و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و

امیدوار کننده‌تر است .

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ : إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ

جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ^{۴۰}

با مرگ انسان ، رشته عملش قطع می‌شود ، مگر از سه چیز :

صدقه جاری (وماندگار) ، دانشی که مردم از آن بهره‌مند شوند ، و

فرزند نیکوکاری که برایش دعا کند .

^{۳۹} کهف ، آیه ۴۶

^{۴۰} میزان الحکمه ، ح ۱۴۲۸۷

امام علی علیه السلام :

الصَّدَقَةُ وَ الْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فَذَعُوهُمَا لِيَوْمِهِمَا ^{۴۱}

صدقه و وقف دو ذخیره‌اند ، آنها را برای روز خودشان (قیامت)

وانهید .

امام صادق علیه السلام :

صَدَّقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا ^{۴۲}

پیامبر خدا اموالی را صدقه داد و آنها را وقف کرد .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

الْجَنَّةُ لِكُلِّ تَائِبٍ وَ الرَّحْمَةُ لِكُلِّ وَاقِفٍ ^{۴۳}

بهشت متعلق به توبه کاران است و رحمت متعلق به وقف گذاران

است.

امام علی علیه السلام فرمودند:

ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ لِيُؤْتِيَنِي اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ يَصْرِفَنِي عَنِ النَّارِ وَ يَصْرِفَ

النَّارَ عَن وَجْهِ يَوْمَ تَبْيُضُ وَجُوهٌ وَ تَسْوَدُ وَجُوهٌ ^{۴۴}

^{۴۱} دعائم الإسلام ، ج ۲ ، ص ۳۴۰

^{۴۲} همان ، ص ۳۴۱

^{۴۳} نهج الفصاحه ، ج ۱۳۳۲

^{۴۴} بحار الانوار، ۱۸۴ / ۱۰۳

امام علی (علیه السلام) در یکی از وقفنامه هایشان انگیزه خود را چنین بیان می کنند: [برای] رضایت خداوند [وقف کردم] تا به سبب آن مرا داخل بهشت برین فرماید و از آتش دورم دارد و آتش را از صورتم دور فرماید، در روزی که صورتهایی سفید و صورتهایی سیاه اند.

وقف از منظر بزرگان

امام خمینی

همان روزی که با ایشان بیعت کردند به سلطنت، به اصطلاح، و به امامت و خلافت، همان روز، بعد از اینکه این کار را کردند، آن کلنگش را برداشت رفت سراغ کارش، که کار می کرد خودش با دست خودش. آن وقت می کرد برای چه؟ آن قنات را وقتی که درآورد، یک کسی گفت که مثلاً مبارک است، چه است، فرمود که مبارک برای ورثه است. بعد گفت: [قلم] بیاورید. وقف کرد آنجا را برای مستمندان^{۴۵}

^{۴۵} مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، (بیروت: دار إحياء التراث العربی)، ج ۴۱، ص ۳۹

مقام معظم رهبری ۴۶

- وقف یک نهاد ممتاز دینی است ، باید از طریق تشویق مردم به وقف و همچنین ادای صحیح حق واقف در مورد موقوفه اش، سنت وقف را بیش از پیش در جامعه ترویج کرد.
- وقف یکی از کارسازترین و سالمترین شیوه‌هایی است که تمکن مالی را به صورت احسانی ماندگار، در خدمت نیازهای جامعه قرار می‌دهد و اراده‌ی نیک آدمی را پس از طی دوران زندگی، همچنان زنده و کارساز نگه می‌دارد.
- این حکم اسلامی باید در جامعه رونق پیدا کند و ابعاد آن به لحاظ تاریخی، اجتماعی، اسلامی و اخلاقی و دینی تبیین شود و به جامعه اطلاع‌رسانی شود. فرهنگ وقف باید بیش از پیش ترویج شود و گسترش یابد.

^{۴۶} دیدار نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه و مسوولان این سازمان با

ایشان، مورخ ۹۰/۱۲/۱۳

- عموم جامعه به خصوص کسانی که از ثروت برخوردارند، نسبت به این سنت حسنه پیامبر اکرم و ائمه (ع) اقدام کنند. از سازمان اوقات و ادارات وابسته نیز انتظار دارند که مردم را - به خصوص متمکنین را - به این سنت حسنه تشویق کنند.
- وقف، یک امر دینی است و باید عالمان دین که در این امر تخصص دارند و مبانی قرآن و روایات، احکام وقف را استنباط می کنند و در اختیار مردم قرار می دهند به این مسئله اهتمام بورزند.
- دانشگاه ها و مراکز علمی و آموزشی و پژوهشی اعم از وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، مؤسسات فرهنگی و آموزشی در کل کشور نیز نقش تعیین کننده ای در اشاعه فرهنگ وقف دارند.
- سازمان اوقاف به عنوان متولی مستقیم در این زمینه کارهایی را شروع کرده است اما به تنهایی از عهده سازمان اوقاف بر نمی آید که این کار را انجام دهد. به علاوه این که این سرمایه، سرمایه ای است که به

همه اقشار جامعه خدمات می‌دهد و به همین دلیل انتظار است همه اقشار جامعه که از خدمات وقف بهره‌مند می‌شوند متقابلاً بهره‌ای هم برسانند و در حوزه فرهنگ‌سازی وقف اقدامات مؤثری انجام دهند. متأسفانه این مسئله اتفاق نیفتاده است و ما با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم.

آیت الله جوادی آملی

باید به سمتی حرکت کنیم که جامعه پربرکت ایران به سوی وقف‌های با همت عالی پیش برود؛ همت‌های بلند، روایات مربوط به وقف را به درستی تلقی و احیا می‌کنند ولی همت‌های کوتاه به تناسب خود برداشت کوتاهی از این موارد دارند. امام حسین(ع) در روایتی می‌فرمایند «خداوند همت‌های بلند، اندیشه‌ها و انگیزه‌های بلند را دوست دارد» فکر و اندیشه پست در این میان جایگاهی ندارند.

وقف باید صدقه جاریه باشد نه صدقه جامده به همین دلیل باید این فرهنگ را در میان مردم ترویج کرد؛ نگوییم فلان خانه وقف شده برای کاری بلکه باید بگوییم زمین وقف شده است تا

دست متولی باز باشد و متناسب با نیازهای زمان کارهایی صورت بگیرد.

وقف خردمندانه باعث بالا رفتن جامعه و تبدیل شدن املاک به صدقه جاریه است. وقف در حقیقت احیای املاک است و تا آن ملک باشد انسان زنده خواهد بود زیرا عملی که پس از مرگ منقطع نمی‌شود، صدقه جاریه است .

گاهی ممکن است انسان وقفی کند که یک ثواب ببرد و این حاصل همتی متوسط است ولی اگر وقفی مانند کار سید مرتضی یعنی حوزه علمیه نجف باشد آنگاه حاصل همتی عالی بوده و تا سال‌ها مردم مختلف از آن استفاده می‌کنند.مدیری لایق مانند سید مرتضی حوزه علمیه نجف را بنا نهاد و این همه برکات حاصل این کار اوست.

اصول مندرج در وقفنامه آیت الله جوادی آملی

در وقفنامه ایشان برخی از عناصر محوری اهمیت مال و تأثیر

انفاق صحیح آن طی شش اصل به شرح زیر ارایه شده است:

اصل یکم: مال در اسلام ، نماد اقتصاد است و تأثیر آن در حریت یک امت و استقلال یک ملت به قدری است که سبحان از آن به قیام)ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث(یاد کرد(و لا توتوا السفهاء اموالکم الّتی جعل الله لکم قیاما) و فرد یا جامعه فاقد مال را از آن جهت فقیر می گویند که ستون فقرات آنها شکسته و توان قیام در برابر نظام سلطه و استکبار یا طغوی محروم از تقوی را ندارد لذا نباید زمام آن به دست سفیهان اقتصادی باشد چون سفه مالی در اثر خطای فکری یا خطیئه عملی سبب هدر رفتن آن می شود چنانکه نباید تعاملات اقتصادی بر مدار ربا برگردد چون ربا و زیاده خواهی نه نمو و فربهی سالم است و نه سمن و چاقی که اگر زیانبار نباشد سودمند نیز نخواهد بود بلکه همانند آماسی است که در اثر زنبور زدگی بر می آید و جز ضرر اثر دیگر ندارد لذا قرآن حکیم ربا محوران را مبتلا به خبط اقتصادی می داند و قیام آنها را در دنیا و آخرت خردمندانه نمی داند (الذین یا کلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالو انما البیع مثل الربا و احل الله البیع و حرم الربا) راز سفه ربا محوران را باید در محتوای حدیث نورانی که عقل را (ما عبد به الرحمن و

اكتسب به الجنان) می داند دانست ، زیرا هرچه مخالف با این مبناست نابخردی است . خلاصه آنکه ۱ - مال ، ستون فقرات اقتصاد یک ملت است . ۲- نگهبانان این عمود ، خردمندانی اند که از آسیب سفاهت و از گزند افزون خواهی ناروا مصون اند.

اصل دوم : مال که زیربنای اقتصادی است از منظر دیگر

شبيه خون جاری در رگ های پیکر جامع است به طوری که پویایی هر عضوی به دریافت سهم مناسب خود از آن است ، که اگر نصاب لازم خون به عضو نرسد آن عضو فلج خواهد شد و از حیات محروم می شود و در این توزیع ، رعایت عدل ، معتبر است نه مساوات چون تقسیم خون برابر برای اعضای نابرابر ، در عین تساوی ، ظلم است فتوای عقل درباره حسن بودن مساوات و قبیح بودن ترجیح ، به استناد حسن عدل و قبیح ظلم است لذا تساوی ناهماهنگ با عدل ، حسن نخواهد بود.

نظام اقتصادی ای که متحجرانه ثروت یک ملت را در دست دولت قرار می دهد و با دولت سالاری ، مملکت را اداره می کند و نوابغ اقتصادی را از دسترسی به مال بهتر و بیشتر محروم می نماید و افراد را جیره خوار می کند در توزیع خون بین اعضای خود عدل

مدار نیست لذا نظام مالی شرق سوسیال محکوم به زوال بوده و می باشد .

نظام اقتصادی ای که مستکبرانه ثروت یک جامعه را در اختیار چند سرمایه دار می نهد و با سرمایه سالاری کشور را اداره می کند و اکثریت جامعه را از نیل به مال بهتر و بیشتر دور می دارد و آنها را به مشاغل نازل و دستمزد اندک ساکت می نماید، در تقسیم خون بین اعضای پیکر خویش عدالت پیشه نیست ، لذا نظام اقتصادی کاپیتال غرب محکوم به فنا بوده و خواهد بود ؛ قرآن کریم که جامعه بشری را کریمانه اداره می کند و کرامت وی رادر پرتو عدل محوری می داند درباره توزیع ثروت و بهره وری هر کس به قدر استحقاق و استعداد خود بعد از واگذاری سهام خاص دینی به مستحقان آنها و به صورت جامع چنین فرمود (کی لا یکون دوله بین الاغنیاء منکم) پیام اصلی این اصل کلی اقتصادی این است که مال باید بین تمام طبقات ، تداول یابد تا "دوله بین الاغنیاء" باشد خواه آن مدار بسته و محور محدود (اغنیاء) اشخاص حقوقی باشند نظیر نظام کمونیستی یا اشخاص حقیقی باشند مانند نظام سرمایه داری خلاصه آنکه ۱- ثروت ملی به معنای جامع خود همانند خون

در پیکر اعضای ملت است که هر عضوی بتواند به قدر استحقاق نصاب استعداد خویش از آن با کرامت و به دور از خواری جیره خواری و برکنار از زبونی مزدوری بهره مند شود. ۲- نظام اقتصادی که در آن سیستم ، جامعه به دو قطب امیر و اسیر ، مستکبر و مستضعف تقسیم می شود و که ظالم از یک سو و سغب مظلوم از سوی دیگر بیانگر بیدادی است محکوم به زوال خواهد بود.

اصل سوم : قبض و بسط رزق و سعه و ضیق مال ، عوامل متعدد فاعلی و قابلی دارد که طرح آنها خارج از حوصله این مکتوب است . آنچه در اینجا ارائه می شود آن است که زشتی و زیبایی ثروت از منظر وحی الهی به تکاثر و کوثر بودن آن است . افراد عادی که از علوم و حیانی محروم و از فضیلت عصمت بی بهره اند حتماً باید به ولایت انسان کامل معصوم(علیهم السلام) معتقد شده و به آن سر بسپارند و از سریره و سیره و سنت اولیای معصوم الهی پیروی کنند . اگر در یک نظام اقتصادی که مال ، «دوله بین الجمیع» بود نه فقط (بین الاغنیاء) و امکان رشد مالی برای برخی فراهم شد و بیش از نیاز شخصی خود مال حلال فراهم نمود ، اولین وظیفه او این است که در ظل تولی امام معصوم(علیه السلام)

فرمانروای ثروت خود باشد نه فرمانبردار او ، مولای موحدان ، امیرالمومنان حضرت علی بن ابی طالب فرمود(انا یعسوب المومنین و المال یعسوب الفجار)یعنی من امیر و مطاع و متبوع اهل ایمانم و مال ، رئیس و فرمانروایی فاجران ، راز پیروی مؤمنان با تقوا از حضرت علی(ع) حق مداری آن حضرت بود (علی مع الحق و الحق مع علی یدور معه حیثما دار) و رمز اطاعت فاجران با طغوا از مال ، لهو محوری و باطل گرایی آنهاست به طوری که هم خود به سوی لهو می روند و هم لهو به سراغ آنها می رود و سرگرمشان می کند ، در قبال مردان الهی خود از لهو و لغو گریزان اند (الذین هم عن الغو معرضون) و هم تلاهی ، توان رفتن به سوی آنها را ندارد (رجال لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله)بعد از آنکه مؤمن اقتصاددان به مال حلال دست یافت و امیر آن شد نه اسیر آن ، می کوشد که موقعیت ایمانی خود را با آن مال تثبیت کند تا در رخدادهای دنیا ثابت قدم و در ساهره معاد پابرجا باشد که تأثیر به سزای صرف مال در راه خیر است.

رهنمود خدای عطابخش خطا پوش که مال آفرید و آن را به بندگان خود داد و دستور انفاق را صادر کرد (و اتوهم من مال الله

الذی اتاکم) آن است که فرمود (و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله و تثبیتا من انفسهم) انفاق در راه خدا همانند آبیاری شجره طوبای هویت خویش است که مایه رشد آن درخت و پوشیدن رخت بخت و نشستن بر تخت تقرب است (متکئین علیها متقابلین) از این جهت امیر کوثریان فرمود (یا بن آدم کن وصی نفسک فی مالک و اعمل فیه ما توثر آن یعمل فیه من یعدک) یعنی وصیت عهدی که به تجهیز میت مرتبط است به عهده دیگری است ولی وصیت تملیکی که ثلث مال بر می گردد به عهده خود شخص می باشد که در زمان خویش بیش از آن مقدار را هم می تواند در راه خیر صرف نماید.

اصل چهارم: اکتناز و زراندوزی و عدم بهره وری صحیح

تولیدی از آن و نیز عدم انفاق در مصارف خیر پیامدهایی دارد که برخی از آنها فقدان کمال و محرومیت از مقام برتر است و بعضی از آنها حسرت زا و افسوس آور و برخی از آنها مایه گداخته شدن اعضاء و جوارح صاحب مال منحوس یاد شده است آیه (لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون و ما تنفقوا من شیء فان الله به علیم) ناظر به حرمان سرمایه دار متکاثر است که بدون انفاق هرگز

به مقام بر ونیکی یا منزلت ابرار نمی رسد آیه (ان الذین کفروا ینفقون اموالهم لیصدوا عن سبیل الله فسینفقونها ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون) راجع به انفاق ناروا و حسرت آور و افسوس زا است ؛ چنین زر دوست متکثری مشمول تمثیل سوره کهف است که (فاصبح یقلب کیفه علی ما انفق فیها و هی خاویه علی عروشها و یقول یا لیتی لم اشک بربی احدا) چنانکه اطلاق یا عموم آیه (ان تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله و ان کنت لمن الساخرین) شامل چنین متکثر شده و او نیز مندرج تحت مفاد آیه یاد شده است و آیات (و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم * یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم لا نفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون) نیز جریان گداختن زر و سیم داغ کردن جوارح با آنها را در بر دارد.

حصر معرفت شناسی در احساس تجربه حسی و انکار معرفت تجربیدی و شهودی و نیز منحصر نمودن باورهای عملی به قلمرو دنیا و حوزه طبیعت آثار مشئوم فراوانی دارد که گذشته از امور یاد شده مضامین آیه های (یحسب ان ماله اخلده) و (من الاعراب من

یتخذ ما ینفق مغرما و یتربص بکم الدوائر علیهم دائره السوء و الله سمیع علیم) نیز از همین قبیل اند . خلاصه آنکه ۱- هستی شناسی مدار بسته و معرفت شناسی محدود ، هویت چنین بشر تنگ اندیش را بین مهد و لحد محصور کرده و زندگی او را بین نیل و معتلف می کند. ۲- کسب مال حلال و انفاق آن در راه خیر سهم فراوانی در رهایی از تکاثر و نیل به کوثر دارد.

اصل پنجم : انسان که کرامت خود را به استناد خلافت خویش از آفریدگار نظام هستی دارد ، گذشته از جاودانگی در آخرت می تواند چهره ای ماندگار از خود در دنیا ترسیم نماید . بر اثر تکوینی یا تدوینی که مورد قبول خدا باشد سهمی از عنداللهی شدن دارد و طبق آیه (ما عندکم ینفد و ما عندالله باق) باقی خواهد ماند . اسلام که رهاورد فراوانی را به همراه داشت و دارد، طرح جاودانه شدن نسبی را به جامعه بشری آموخت.

وقف که نموداری از این رهنمود حیات مستمر است ، راز تداوم آن تنها این نیست که اصل آن ثابت و در آمد آن سیال است بلکه قصد قربتی که در آن معتبر و اعمال می شود و از این منظر در

بخش عبادت های مالی فقه امامیه قرار دارد مایه پایداری آن خواهد بود.

نهاد وقف همانند به بار آوردن فرزند صالح سالک و داعی ، محبوب و ماناست چنانکه همسان سنت صحیح و ماندگار است لذا این امور در کنار هم قرار گرفته اند ؛ محمد بن یعقوب کلینی و نیز محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به صدوق از حضرت امام جعفر صادق(ع) نقل کرده اند که (سته تلحق المومن بعد وفاته ولد یستغفر له و مصحف یخلفه و غرس یغرسه و قلیب یحفره و صدقه یجریها و سنه یوخذ بها من بعده)؛ آثار شش چیز بعد از مرگ مؤمن به او می رسد : ۱- فرزندی که برای او استغفار کند . ۲- کتابی که اثر تألیفی او باشد . ۳- درختی که غرس کرده باشد . ۴- چاه آبی که حفر کرده باشد . ۵- صدقه ای که جریان داشته باشد(یعنی وقف) ۶- سنتی که بعد از او مورد عمل قرار گیرد. روشن است که ذکر امور شش گانه از باب تمثیل است نه تعیین ، چون هر کار خیری که بماند تا آثار مثبت آن در جامعه وجود دارد ، صاحب آن ماجور خواهد بود.

مهمترین سنت قرن در جهان معاصر تأسیس حکیمانه و فقیهانه حضرت امام خمینی (ره) بود که سنت سیئه سلطنت را به سنت حسنه جمهوری اسلامی، بدون کاهش و افزایش تبدیل کرد و از هر اثر مثبت آن سهمی برای بنیان گذار نظام که هم اکنون در روضه ای از ریاض جنت به سر می برد خواهد بود. چنانکه شهدا و جانبازان و اهل نثار و ایثار طرفی خواهند بست.

اصل ششم :وقف، صدقه جاریه و پویاست نه جامد و ایستا .
تعبیر «جریان» همانند فصل مقوم وقف است که آن را از سایر صدقات جدا می کند همانند کلمه «ناطق» که انسان را از سایر موجودات زنده امتیاز می دهد . واقفان محترم کوشا باشند که آنچه قوام وقف به آن است که همان جریان و پویایی باشد محفوظ بماند و در انشای صیغه وقف کاربری خاصی را در نظر نگیرید که متولیان بعدی مجبور شوند در مدار بسته و جامد حرکت کنند بلکه نحوه بهره برداری از آن را مطلق و آزاد قرار دهد چون آنچه باید از طلق بودن به در آید و مقید و بسته شود خود عین است نه بیش از آن ؛ مثلاً اگر کسی خواست زمین را وقف بهداشت و درمان جامعه کند

چنین انشاء نماید: ۱- این زمین مشخص ، وقف بهداشت و درمان است ۲- تمام منافع و درآمد متطور آن در هر عصر ونسلی در مصرف یاد شده صرف شود ۳- اگر غبطه وقف و مصلحت جامعه در این است که در این زمین بیمارستان ، درمانگاه و سایر مراکز درمانی ساخته شود با کارشناسی اهل خبره ، متولی به احداث بناهای مذکور اقدام کند و اگر تغییر کاربری سودآورتر است و غبطه وقف و مصلحت امت بهتر تأمین شود تغییر یاد شده صورت پذیرد.

غرض آنکه جوهر وقف ، حبس به اصل زمین است نه حبس آن و حبس صورت ساختاری معین (عرصه)، چنانکه جوهر دیگر وقف صرف درآمد آن در کار خیر است نه خیر معین . خلاصه آنکه

۱- وقف عبادت ویژه ای است که مایه تصدیق ایمان واقف است ، لذا از آن به صدقه یاد می شود ۲- وقف ، جاری است نه جامد لذا تحبیس اصل (عین) ، کافی است و تحبیس عرصه لازم نیست ۳- مصرف آن ، خیر مطلق است نه معین ، هرچند تعیین آن صحیح است.

گزیده ای از گفتارهای حجت الاسلام قرائتی^{۴۷}

برای وقف، روحتان را بزرگ کنید

یکی از سنت‌های خوبی که قدیم بوده و الان زیاد نیست، وقف است. می‌توانیم بگوییم: نصف مردم خراسان دارند روی زمین امام رضا(ع) زندگی می‌کنند. خود بنده تمام پوست و گوشتم از وقف است. می‌دانید چرا؟ چون کاشان آب لوله‌کشی نبود. آب، آب انبار خوردیم و آب انبارها را چند قرن قبل ساختند و وقف کردند. آب‌ها می‌آمد در آب‌انبار و ما از آن آب خوردیم و بزرگ شدیم. حالا هر حدیثی که می‌خوانیم ثوابش برای آن کسی که آب‌انبار را وقف کرده است و این برای هفت قرن قبل است.

انفاق بی آفت

وقف، انفاق خالصانه است. چون نیستیم... آنچه من در تلویزیون می‌گویم معلوم نیست خدایی باشد. بله من از تلویزیون پول نمی‌گیرم. در این سی سال هم نگرفتم. اما شهرت که گرفتم.

^{۴۷} ویژه نامه وقف سرمایه فراموش شده - مورخ پنجشنبه 1390/11/06 شماره

بالاخره مردم به خاطر تلویزیون احترام می‌کنند، سلام عليك می‌کنند... اما اگر یادداشت مرا یک طلبه دیگر رفت خواند. آن نه پول دارد نه پز. آن برای قیامت می‌ماند. کارهایی که خودمان می‌کنیم، بو دارد. بوی ریا، سمعه، غرور، عجب، منت، کارهایی که با دست خودت می‌کنی، آفت‌پذیر است. اما وقف را می‌دهی و می‌روی. بنابراین انفاق هست و به اخلاص هم نزدیک است. یعنی انفاق بی آفت است.

وقف، به کوثر رسیدن است

کسی که از پول نگذرد، در خط قارون است. کسی که از پول بگذرد، در خط خدیجه است. خدیجه مال کثیر داد، خداوند به کوثرش رساند... این، اهمیت وقف است.

طوق گردن

بعضیها که وقف نمی‌کنند، قرآن می‌گویند: «یحسب ان ماله اخلده» تو فکر می‌کنی مالت به تو ابدیت می‌دهد؟ «ولا یحسبن الذین ییخلون بما آتاهم الله من فضله هو خیرا لهم» آن‌هایی که پولدار

هستند و وقف نمیکنند، فکر نکنند خیر است. «بل هو شر لهم» شر است. «سیطوقون ما بخلوا» قرآن می گوید. حدیث نیست. قرآن می گوید: کسانی که مال دارند و کمک نمی کنند مالشان طوق می شود و قیامت به گردنشان می افتد.

طبق نیت واقف

سال ها پیش یکی از دوستانم میگفت: (والعهده علیه). در دانشگاه (سوربن) واقع در فرانسه بخشی است که در آن هیئت بطلمیوس و فلسفه ارسطو تدریس می شود و کشیشی تدریس آنرا برعهده دارد و دو، سه تن در درس او حاضر می شوند. از مسئول دانشگاه پرسیده بود، سود این درسی که علم، اساس آن را به هم زده، چیست؟ گفته بود ما هم متوجه این نکته هستیم؛ لیکن هزینه این کلاس از موقوفه تامین می شود. اگر ما آن را به هم بزنییم، واقف هایی که می خواهند موقوفه آنان پایدار باشد دیگر بدین کار رغبت نخواهند کرد، چرا که احتمال می دهند با موقوفه آنها هم نظیر همین کار را بکنند.

منبع مالی اسلام

اگر می‌بینیم فدک را گرفتند برای اینکه برای حکومت علی بن ابیطالب سرمایه مالی بود و اگر می‌بینیم رضاشاه موقوفات ایران را به شاپورها و اطرافیان می‌داد، به خاطر این بود که موقوفات سبب یا حسین، یا حسین گفتن بود و برای اینکه جلوی یا حسین یا حسین را بگیرند باید منبع مالیش را قطع می‌کردند. بنابراین هم ظالمین و طاغوت‌ها روی وقف نظر دارند و هم اسلام روی جهت مثبتش نظر دارد.

روح بزرگ برای وقف

در وصیتهای و وقف‌ها هم روحان بزرگ باشد. حضرت ابراهیم(ع) رفت یک تنگ نظری بکند خدا حالش را گرفت. حضرت ابراهیم(ع) مکه را که ساخت در وقفنامه‌اش یک خورده وقف را کوچک گرفت و گفت: «وارزق اهله من الثمرات من آمن منهم بالله و الیوم الآخر قال و من کفر فامتعه قليلا ثم اضطره الی عذاب النار و بس المصیر» خدایا رزق بده اهل مکه را از ثمرات رزق بده. «من آمن منهم» مومن‌ها خوب‌هایشان را. خدا فرمود هیس!! از این وقف‌ها

نکن «و من کفر فامتعه» من اگر کافر هم باشد به او می‌دهم بخورد. نگو نه تو که سینه زده‌ای آمده‌ای پلو بخوری! این دیگ مال آن‌هایی است که دو لیتر گریه کرده‌اند. بابا این گریه نکرده، آمده رد شود به او هم بده بخورد. «و من کفر فامتعه» کافر هم باشد به او می‌دهم بخورد منتهی «ثم اضطره الی عذاب النار» روز قیامت پدرش را درمی‌آورد ولی توی دنیا بگذار بخورد.

وام بی اضطراب

افرادی که به دیگران وام می‌دهند، دغدغه دارند که آیا او پول را برمی‌گرداند یا خیر؟ اما وقتی شما چیزی وقف می‌کنید، از وقتی که آن چیز وقف می‌شود، برکات و ثوابش را خدا برای شما ثبت می‌کند و اجر خدا، اضطراب ندارد. بنده می‌روم یک حدیثی را در کتابخانه مطالعه می‌کنم و آن را در تلویزیون می‌خوانم. میلیون‌ها آدم این حدیث را گوش می‌دهند و از آن استفاده می‌کنند، من آن حدیث را از کتاب خوانده‌ام، و آن کتاب، وقفی است. یعنی یک کتاب هزار تومانی، میلیون‌ها برکت دارد. یک خوابگاه و یک حوزه که وقف می‌شود، فردا هر کار خیری که این دانشجو یا طلبه انجام دهند، آن

وقف کننده در آن کار خیر شریک است. یعنی دائما سود دارد، سود بی دلهره: «انا لانضیع اجر من احسن عملا» قرآن می فرماید: ما کار کسی را که عمل خیری انجام می دهد، ضایع نمی کنیم.

اولویت های وقف

الان اولویت با چیست؟... در وقف باید این را در نظر بگیریم الان موقع وقف چه چیزی است؟ و با چند تا آدم متدین و متفکر مشورت کنیم. باید دید که الان اولویت چیست؟ الان اولویت منار است یا بلال؟ یک وقت می بینی آقا پول داده و مناره ساخته، چندین سال است که این مناره را ساخته اند اما یک نفر روی آن اذان نگفته. اگر پول این منار را خرج بلال می کرد، الان ۵۰۰ تا بلال داشتیم. فرقی هم این است که: پیغمبر با یک بلال سیاه دنیا را تکان داد، ما با چند هزار منار کاشی کاری شده، هیچ کاری نکردیم.

جایگاه وقف در سایر ادیان و ملل

وقف و بخشش در مسیحیت^{۴۸}

عیسی مسیح، در ناصره به خواندن اسفار می پردازد و قسمتی از صحیفه اشعیاء نبی را انتخاب کرد «روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسیح کرده تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم.»

عیسی مسیح گوید: «بینوایان را شما همواره با خود دارید... او به ثروتمندی که از او پرسید: علاوه بر احکام عشره چه کند، پاسخ داد مایملک خود را بفروش به فقرا بده.»

از مسیحیان تقاضا می کند: «از تهی دستان روی متابید و هر چه دارید با برادران به میان گذارید و هرگز مگویید این مال، از من است.»

به هنگام خشم، به بردگان که همه به یک خدای روی امید دارند، فرمان مدهید. (زیرا آنان پیوسته خدا ترسند) مسیحیان نظام ویژه ای برای پرستشگاه های خود و آموزش و ارشاد داشته اند و دارای چنان تسلطی بر پیروانشان هستند که از سلطه دولتها نیز

^{۴۸} السامرایی، ۱۹۶۸،

بیشتر است. پژوهشها در سرزمین های مسیحی نشین، نشان می دهد که برای پناهگاهها - مدارس - بیمارستانها - دیرها - پرستشگاهها موقوفانی وجود داشته و این موقوفات تا قرن هفده میلادی یعنی حکومت لوئیس سیزدهم، یک سوم فرانسه را در برمی گرفته است و با انقلاب فرانسه این وضع تغییر می کند و جزء اموال دولت می شود ولی دولت بعدها مجبور می شود نظام موقوفات خیریه را به نحوی طراحی کند که میان برنامه های خیریه و مصلحت عمومی سازگاری ایجاد شود.

بخشش در فرهنگ یهود^{۴۹}

با نزول کتاب مقدس تورات و شکل گیری و رسمیت یافتن آیین یهود به پیامبری یکی از شخصیت های بزرگوار و فداکار عالم بشریت یعنی حضرت موسی، هدف از زندگی که همانا تکامل روح و تقرب به ذات اقدس الهی است، مشخص شد و راه های گوناگونی برای رسیدن به این مقصود برای آنان روشن گشت و موضوع وقف که در زبان عبری از آن با واژه (مقدس برای خداوند) یاد می شود

^{۴۹} حکمت، علی اصغر، تاریخ ادیان، انتشارات ابن سینا

یکی از راه‌های مهم برای آموزش، در روز آخرت، و از موارد حائز اهمیت در بین پیروان این مکتب شناخته شد. یهودیان عقیده دارند که با وقف کردن دارایی خود در راه خدا، دارایی مادی خویش را به دارایی معنوی تبدیل می‌کنند و این سرمایه روحانی، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند پشتوانه‌ای برای انسان در جهان آخرت باشد و او را نزد خدا سرافراز نماید و از عذاب دوزخ رهایی بخشد و انسان را به آموزش ابدی برساند.

وقف در ایران^{۵۰}

وقف در ایران سابقه طولانی دارد بطوریکه نذورات و وقف اموال به آتشگاه‌ها و معابد از دوران باستان متداول بوده است و در دوره اسلامی نیز با تحول در شکل و احکام آن ادامه پیدا کرده است. اوقاف در ایران از زمان تصرف سرزمین ایران بدست مسلمانان عرب و در قرن اول هجری رو به گسترش و تحول نهاد. مرحله اول توسعه وقف در ایران با تصرف زمین‌های "مفتوح‌العنه" (اراضی که مسلمانان از کفار از طریق جنگ به تصرف درآوردند)

^{۵۰} مقاله آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقف، راحله یگانه

آغاز می شود. زیرا اینگونه اراضی در حکم وقف است. در دوره خلفای عباسی که به عصر طلایی تمدن اسلامی شهرت دارد، رقبات موقوفه و درآمد آنها در تمام ممالک اسلامی رو به فزونی نهاد و مردم خیر اندیش و امرا و وزرا و بزرگان و تجار موقوفات زیادی را برای امور عام المنفعه از خود به یادگار گذاشتند.

در دوره سامانیان در نیمه دوم قرن چهارم تشکیلات اداری به نام دیوان اوقاف بوجود آمد که به کار مساجد و اراضی موقوفه رسیدگی می کرده است. قبل از آن وظیفه اداره اوقاف بر عهده قضات بوده است. از به وجود آمدن دیوان اوقاف معلوم می شود که در این دوره موقوفات نسبتاً فراوان بوده است. از طرفی چون مهمترین منبع درآمد در این دوره زمین کشاورزی بود و رقبات موقوفه را اراضی کشاورزی تشکیل می دادند لذا، موقوفات از اهمیت ویژه و حیاتی برخوردار بود.

در دوره سلجوقی، نظام الملک وزیر ملک شاه، مدارس نظامیه را با استفاده از درآمد موقوفات بنیاد نهاد، با حمله مغولان به ایران وضع موقوفات آشفته گردید و اشراف برخی از آنها را تصرف کردند. تلاش های خواجه نصیر طوسی در دوره هولاکو برای سروسامان

دادن به وضع موقوفات، باوجود اینکه نظارت بر آنها را خود به عهده گرفت، نتیجه خوبی نداشت و مشکلات همچنان تازمان اسلام آوردن ایلخانان مغول ادامه یافت. تلاشهای رشیدالدین فضل الله همدانی در این زمینه بسیار حایز اهمیت است. با توجه به اینکه موقوفات در این دوره بسیار چشمگیر بوده و رشید الدین فضل الله تأکید زیادی بر آن داشت. همین وسعت و اهمیت سبب ایجاد تشکیلات منظمی برای اداره موقوفات به نام حکومت اوقاف، وابسته به دیوان قضا گردید که تحت نظارت قاضی القضاة عمل می کرد و رئیس آن حاکم اوقاف بود.

پس از این دوران ماهیت مذهبی سلسله صفویه سبب تحول نوع و مصارف موقوفات گشت. در این دوره تشکیلات مستقلی برای اداره موقوفات زیر نظر صدر به وجود آمد که نمایندگان در همه شهرهای بزرگ به نام وزیر اوقاف داشت و نظارت بر اوقاف بر عهده آنها بود و این توجه موجب گسترش کاروانسراها، رباط ها، تکیه ها، امامزاده ها و آب انبارهای وقفی در این دوره گردید. در دوره صفویه موقوفات رشد و پیشرفت قابل توجهی داشته است. لمبتون می گوید: اصولاً صفویه بسیاری از املاک خود را وقف

مقاصد خیریه بخصوص وقف بقاع متبرکه شیعه و ازهمه بالاتر آستانه امام رضا (ع) در مشهد و خواهرش (س) در قم کردند. بعضی از این املاک وقفی موقوفاتی بود که به خاندان صفویه پیش از آنکه به سلطنت برسند تعلق داشت. شاید بتوان گفت در زمان شاه عباس اول بیش از هردوره دیگر به عده املاک موقوفه اضافه شد. با سقوط صفویان وضع موقوفات آشفته شد. با روی کار آمدن افشاریه و توجه نادرشاه به امور نظامی، وی برای تأمین مخارج نظامی، بخشی از موقوفات را ضبط کرد. در دوره زندیه، کریم خان زند قصد داشت مانند صفویان به موقوفات توجه نشان دهد، اما موفق نشد. دردوره قاجاریه موقوفات روبه فزونی گذاشت. اروپاییانی که در این دوره از ایران دیدن کرده اند، از املاک فراوان موقوفه سخن گفته اند، از جمله، هانری رنه آلمانی که در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه از ایران دیدن کرده است، می نویسد: "املاک بسیاری وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه شده است. عایدات املاک وقفی بسیار زیاد است، مخصوصاً عایدات موقوفات امام رضا(ع) که مقبره او در شهر مشهد واقع است بسیار مهم می باشند." وی درآمد موقوفات امام رضا (ع) را در سراسر کشور شصت

هزار تومان نقد و ده هزار خروار غله ذکر می کند. با وجود اینکه املاک موقوفه ازدادن مالیات معاف بودند، شاه به عنوان حق التولیه سالی هزار تومان از مشهد دریافت می کرد. آنچه در تاریخ معاصر ایران دارای اهمیت خاص است تصویب قانون موقوفات می باشد که اداره موقوفات تا حدودی سروسامان می گیرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با فتوای حضرت امام خمینی (ره) تغییراتی درجهت بازگشت اوقاف سابق به مالکیت وقفی صورت گرفت. فتوای امام (ره) در مورد وقف مبنی بر اینکه موقوفات باید درحال وقفیت باقی مانده و بدان عمل شود تأثیر زیادی بین روستاییان که در نتیجه اصلاحات ارضی زمین های موقوفه را تصرف کرده بودند گذاشته است. عواملی از قبیل تغییر ساختار تشکیلاتی سازمان اوقاف و اداره آن تحت نظارت مقام ولایت فقیه، تصویب قوانین لازم در جهت احیای موقوفات و رعایت احکام وقف و مسایل شرعی سبب گردید تا افراد خیر در این امر مهم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر مشارکت کنند.

بخشش در بین مصریان قدیم^{۵۱}

مردم مصر در قدیم، با فکر وقف اجمالاً آشنا بودند. املاکی بر خدایان، معبدها و مقبره‌ها اختصاص می‌یافت تا درآمد آنها به مصرف تعمیرات نوسازی، اقامه مراسم و خرج کاهنان (رهبران دینی) و خادمان برسد. این گام به قصد تقرب به خدایان برداشته می‌شد.

امروزه در مصر الواحی وجود دارد که حاکی از مطلب فوق الذکر است. از قدیمی‌ترین آنها لوحه شماره ۷۲ است.

راهنمای ماسپیرو

در این لوح، نقوشی وجود دارد که حکایت از وقف املاک برای برخی کاهنان در خانواده چهارم (سلسله چهارم فراعنه مصر) می‌کند. این لوح در فهرست موزه، ذیل شماره ۸۴۳۲ آمده است. در نشریه وزارت اوقاف مصر به نام وزارة الاوقاف بین الماضی و الحاضر، به این لوح اشاره شده است.

در این لوح برای ما بازگو می‌کند که رمسیس دوم، املاک فراوانی به معبد ابیدوس بخشید و مراسم ویژه‌ای جهت تملیک آن املاک،

^{۵۱} عبدالکیسی، محمد (۱۳۶۶)، احکام وقف در شریعت اسلام، ج ۱ و ۲. ترجمه: احمد

صادقی گلدر، چاپ اداره کل اوقاف و امور خیریه مازندران

در حضور جمع کثیری از مردم برپا کرد، تا مردم در این امر خیر، از وی پیروی کنند. مردم مصر در قدیم، با بهترین شکل وقف اولادی آشنا بودند، اعیان املاکی حبس می شد و درآمد آنها به خانواده و یا اولاد واقف اختصاص می یافت و این حق بعد از آنها به اولادشان می رسید تا از عواید آنها بهره مند شوند و حق انتقال اعیان املاک را به غیر نداشتند. مصریان قدیم، با نظام تولیت نیز آشنا بودند. اداره اموال موقوفه را به پسر بزرگتر از هر طبقه واگذار می کردند و در اسناد وقف به صراحت از نقل موقوفه منع می شدند. سندی اخیراً از شخصی به نام «متی» از خانواده پنجم پیدا شده که این شخص موسسه ای به نفع فرزنداناش در قالب هبه به وجود آورده و در آن به پسر بزرگترش دستور داده که از عواید آن موسسه به برادرانش بدهد، ولی اموال، قابل نقل به احدی نیست و اداره آن همیشه با پسر بزرگتر از طبقات موقوف علیهم است.

کاهنان از آنچه به عنوان نذر و قربانی به خدایان تقدیم می شد، می خوردند و می نوشیدند و هم چنین از زمین های مربوط به معابد و خدمات دینی خویش؛ درآمد سرشاری به چنگ می آوردند.

آثار و کارکردهای وقف

وقف در جامعه دارای سه دسته کارکرد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. همانگونه که در بالا به آن اشاره شد، اوقاف اگر طبق احکام اسلامی در جامعه عمل شود می‌تواند تأثیر بسزایی در حل مشکلات اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی داشته باشد. اولین و مهمترین کارکرد وقف از گذشته‌های دور تاکنون کارکرد فرهنگی است و در بعد اجتماعی همچون چتری بزرگ سایه‌ی خود را بر سر نیازمندان می‌گستراند. به لحاظ اقتصادی ماهیت اوقاف جنبه‌ی اقتصادی دارد و به عنوان پشتوانه‌ی قوی مالی برای دولت اسلامی مطرح است. اسلام عمل به وقف را در ردیف ایمان به خدا، رسول خدا و روز قیامت قرار داده است.

آثار فرهنگی وقف^{۵۲}

مهمترین کارکرد وقف در جامعه اسلامی از گذشته‌های دور تا کنون کارکرد آموزشی و فرهنگی است. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به عنوان یک

^{۵۲} مقاله آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقف، راحله یگانه

منبع مستمر مالی مراکز علمی، پشتوانه مردمی داشته است و چه بسیار مدارس و مراکز علمی در جهان اسلام از طریق وقف ایجاد و گسترش یافته اند و بسیاری از عالمان بزرگ با استفاده از درآمدهای اوقاف توانسته اند به مدارج عالی علمی برسند. از طریق تقویت مالی مدارس اسلامی توسط وقف، این مدارس توانستند در فرهنگ نظام تعلیم و تربیت اروپا تأثیر بگذارند. وقف پاسدار نشر معارف اسلامی است. استفاده از درآمدهای وقف برای ساخت مساجد، دانشگاهها، خوابگاههای دانشجویی، تأسیس کتابخانه های عمومی، برگزاری کنگره جهانی حج، مجالس عزاداری ائمه (ع)، مسابقات قرائت قرآن کریم در سطح بین المللی و... از کارکردهای فرهنگی و آموزشی وقف می باشد. از طریق وقف مسلمانان توانسته اند از طریق مدارس دینی موقوفه بهترین شاهکارهای خود را به جهانیان معرفی نمایند و علم و دانش آنها از طریق اوقاف گسترش و رواج یافته است.

هنگامی که پس از رحلت شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ ق) زعامت و مرجعیت شیعه به شاگردان او سید رضی (۳۵۹-۴۰۶ ق) و برادرش سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ ق) که علامه حلی او را معلم شیعه خوانده

است منتقل شد هر دو عالم دینی مدتی مدیریت اوقاف را عهده دار بوده که این خود، رویکرد فرهنگی نهاد وقف را بیشتر خاطر نشان می سازد .

امروزه نیز در جمهوری اسلامی ایران عواملی از قبیل تغییر سازمان تشکیلاتی سازمان اوقاف و اداره آن تحت نظر ولی فقیه، نه تنها بر بعد فرهنگی آن تأکید دارد بلکه آن را به ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی هم تسری بیشتری بخشیده است. همچنین تصویب قوانین لازم در جهت احیای موقوفات، رعایت احکام وقف و مسایل شرعی آن و عمل دقیق به مفاد وقف نامه ها که اساس نامه چگونگی تحصیل درآمدها و صرف آنها موافق نظر واقف است موجب شده تا افراد خیر با اطمینان زیادتری در این امر مهم به طور گسترده مشارکت نمایند و بخشی از دارایی خود را به عنوان الباقیات الصالحات وقف مصالح جامعه اسلامی کنند.

آمار نشان می دهد که شمار موقوفات پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزایش چشمگیری داشته است که از لحاظ نوع اهداف و نیات واقفان نیز حایز اهمیت و قابل تأمل است چرا که مصارف این موقوفات در اکثر موارد در جهت رفع نیازهای ضروری جامعه اعم از

نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بوده و مشکلی از مشکلات اساسی جامعه را حل کرده است.

به همین دلیل از رسالت های مهم رسانه های جمعی ترویج این حرکت خدایسندانه و مردم گرایانه است. موضوع وقف می تواند دستمایه آثار هنری فراوانی از قبیل داستان ها، مجموعه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی قرار بگیرد تا رفته رفته این فرهنگ رواج یابد، تفکر فردگرایانه محدود و محصور شود و تفکر در سرنوشت و زندگی دیگران گسترش یابد.

آثار اجتماعی وقف ۵۳

در بعد اجتماعی وقف همچون چتری بزرگ سایه‌ی خود را بر سر تمام نیازمندان و محرومان می‌گستراند و جامعه را از فقر که عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و سستی در ارکان دینی است، نجات می‌دهد و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را در محیطی مملو از اخوت و حسن ظن، که زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد فراهم می‌کند. بسیاری از خدمات اجتماعی در گذشته از طریق

^{۵۳} مقاله آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقف، راحله یگانه

موقوفات ارائه می‌شده است؛ کاروانسراها، رباطها، دارالایتام و... اماکنی بودند که به شدت مورد نیاز جامعه سنتی بوده و واقفان با عنایت به این دسته از نیازهای اجتماعی اقدام به عمل وقف می‌کرده‌اند، حمایت از گروه‌های اجتماعی مانند مسافران، فقرا، کمک به ازدواج افراد بی‌بضاعت، ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی، تأسیس پرورشگاه‌های کودکان بی‌سرپرست، ایجاد مجتمع تربیتی در مناطق محروم کشور و... از مهمترین کارکردهای اجتماعی وقف در جامعه است. سنت حسنه وقف یکی از مصادیق بارز احسان و غیر خواهی است که انسان با بهره‌گیری از تعالیم انبیا آن را از دیرباز بنیان نهاده و در صحنه حیات اجتماعی به ودیعت گذارده است. روحیه تعاون اجتماعی و سبقت در خیرات در نهاد وقف عینیت می‌یابد و به عمل واقف، مهر ابدیت می‌زند. در وقف دو بعد خود دوستی و نوع دوستی انسان به منصفه ظهور می‌رسد. یکی از هنرهای اسلام به منظور نفوذ بیشتر کلامش در انسان استفاده از خود دوستی انسان (حب النفس) است که در آیات مختلف خطاب به انسان عنوان شده. در وقف نیز از بعد خود دوستی انسان استفاده کرده و عضویت در این نهاد را راهی می‌داند که در آن نام انسان و

مالکیت اموال و دارایی های او تا ابد تضمین می شود و در مواردی که مد نظر دارد عایدات آن به مصرف می رسد.

برجسته ترین جلوه های وقف در توسعه اجتماعی عبارتند از:

۱- حمایت لازم از تحقیقات و مطالعات مربوط به جنبه های اجتماعی در اندیشه اسلامی.

۲- توجه به برخی طبقات اجتماعی، مثل خانواده، زنان، جوانان، اطفال و افراد با نیازهای خاص.

۳- وقف می تواند نقش مهمی در کنترل و حل برخی مشکلات در زمینه ارزش های غیر اسلامی ایفا کند.

۴- تهیه چارچوب سازمانی و مالی مناسب برای توسعه جامعه محلی.

۵- وقف تجربه گران سنگی در زمینه یکپارچگی و استحکام اجتماعی است. تجربه ای که باید نوسازی شده و متناسب با زمان گردد.

۶- وقف می تواند در عادی سازی نقش مهم اقلیت های غیر مسلمان که در جوامع اسلامی زندگی می کنند مؤثر باشد.

آثار اقتصادی وقف^{۵۴}

در اقتصاد امروزی معمولاً دولت‌ها متکفل پوشش‌های اجتماعی هستند مانند بیمه و خدمات درمانی و ... اما وقف نهادی است که به صورت غیر دولتی این پوشش‌ها را انجام می‌دهد. بنابراین یکی از ابعاد وقف بعد تکافل و تامین اجتماعی و تامین نیازمندی‌های مردم و اقشاری است که کمتر از مواهب اقتصادی و درآمدی برخوردار هستند. اما بعد دیگر آن که اقتصاد وقف است که تاکنون مطالعه چندانی روی آن صورت نگرفته است. به این معنا که روی اموال و دارایی‌های وقفی و سرمایه‌هایی که وقف شده اند، چگونه تحلیل هزینه-فایده انجام شود و مدیریت اقتصادی این اموال به چه صورت انجام می‌شود. انگیزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی در اموال یا دارایی‌های وقفی، با انگیزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی در خارج از وقف متفاوت است. در خارج از وقف معمولاً کسب سود و درآمد انگیزه‌ی افراد برای فعالیت اقتصادی است؛ در حالیکه در بخش وقف، انگیزه نمی‌تواند کسب سود و یا درآمد باشد. مثلاً آستان قدس رضوی یا هر سازمانی که با استفاده از اموال وقفی فعالیت اقتصادی می‌کند،

^{۵۴} مقاله آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقف، راحله یگانه

انگیزه‌اش نمی‌تواند کسب سود باشد. بلکه باید انگیزه‌اش استفاده‌ی بهینه از دارایی‌ها و سرمایه‌های وقفی در جهت تامین اهداف واقفان باشد. بنابراین وقتی انگیزه متفاوت شد، مدیریت‌ها تغییر می‌کند از طرف دیگر توزیع منابع حاصل از وقف بسیار متفاوت از توزیع درآمدهای اقتصادی است که از سایر فعالیت‌ها بدست می‌آید. در اقتصاد وقف توزیع درآمد به سمت منافع اجتماعی می‌رود. یعنی به کاهش اختلاف طبقاتی در بین مردم جامعه کمک می‌کند.

دکتر عطیه عبدالحلیم استاد مالیات عمومی دانشکده اسلامی قاهره اثرات اقتصادی وقف را اینگونه بیان می‌کند:

الف: بارز ترین امتیاز اقتصادی وقف اینست که نمیگذارد مال و دارایی که مفاد از آن بدست می‌آید پراکنده و توزیع گردد. به همین سبب وقف بهترین وسیله نگهداری مال و ثروت بوده نمیگذارد کیانها و بنیادهای اقتصادی از هم بپاشد و تلف گردد. مثلا شخصی یک قطعه زمین شرکت و یا تعمیر خود را وقف میکند و مفاد آنرا برای مساکین و فقیران صدقه میگرداند بدین معنا است که اصل مال باقی بوده و از مفاد آن صدقه برای فقیران صورت میگیرد.

ب: عاداتاً و به شکل طبیعی عواید ملی بالای عوامل تولید زمین یا طبیعت سرمایه کار نظم و اداره توزیع می‌گردد که هر یک آن به اندازه سهم اش در عملیه تولید ملی از آن حصه میبرد. غالباً در نتیجه این توزیع بین افراد جامعه تفاوت ثروت ها بوجود آمده جامعه طبقاتی تشکیل میشود که به مرور زمان بین افراد جامعه دشمنی بروز میکند. مال وقف سبب توزیع عید ملی بر تمام اشخاصی و در از بین بردن این تفاوت رول اساسی را ادا میکند. زمانیکه ثروتمندان و مالداران برخی از اموال شان را وقف نمایند و مفاد آن به فقیران و مستمندان توزیع گردد ثروت ها به تمام افراد جامعه میرسد و خود بخود طبقات جامعه باهم نزدیک گردیده روح اخوت و همدردی بین افراد جامعه بوجود می آید.

ج: وقف در بلند بردن سطح تولید ملی سهم فعال را میتواند داشته باشد به این شکل که مفاد وقف خواه اهلی باشد و یا خیری به مستحقین توزیع می‌گردد که در نتیجه بین آنها میل به مصرف پیدا میشود و از آن نزد افراد تقاضا به پارچه های استهلاکی و حتی تولیدی خلق میشود. و قاعده عمومی اقتصادی اینست که هر قدر تقاضا بین افراد برای یک پارچه بیشتر گردد به همان اندازه در تولید

آن افزایش می آید و بالاخره سبب به کار افتادن ماشین اقتصادی شده تولیدات ملی زیاد می شود.

اسلام ارزش های اخلاقی و فعالیت های اقتصادی را به یکدیگر مرتبط می کند (سوره یوسف و دیگر سوره های قرآن)، بنابراین انتظار می رود که وقف نقش اساسی، هم در توسعه اندیشه اقتصادی و هم در توسعه اقتصادی داشته باشد. چنین نقشی را می توان در این محورها تبیین کرد:

- ۱- حمایت لازم برای ترسیم نظریه اقتصادی اسلامی جدید.
- ۲- شرکت در ایجاد جوی مناسب برای توسعه نظام مالی کلی اسلام.
- ۳- تشویق به کارگیری ابزارهای مالی اسلامی و ابزارهای توسعه آن.
- ۴- توسعه نقش اندوخته های وقف به منظور بهره گیری از آن در اقتصاد ملی.

امروزه اقتصاد مقاومتی یکی از اولویت های مهم جامعه است اقتصاد مقاومتی مختصات خاص به خود را دارد که از سرآمدترین

این شاخص‌ها می‌توان به بحث تمرکز در برنامه ریزی و تکثر در عمل اشاره کرد که امروزه نیز در مدل‌های موفق اقتصادی دیده می‌شود. اما مدلی که قابل‌عینیت بخشیدن در فضای بومی اقتصاد جامعه ما باشد چه مدلی است؟ آیا در رسیدن به این مدل باز هم باید مستمسک روش‌های وارداتی شد؟ و یا در منابع اصیل اسلامی می‌توان این مدل را یافت؟ آنچه که می‌تواند مدلی مطلوب در شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی در دوران فشارهای اقتصاد باشد. وقف است. وقف در فرهنگ اسلامی به یکی از مدل‌های رایج توزیع ثروت اطلاق می‌شود که قابلیت‌های بسیار زیادی را در خود نهفته دارد که از جمله آن می‌توان به توسعه و ایجاد اشتغال پایدار و رشد و باروری استعدادهای خرد اقتصادی در سطح جامعه اشاره کرد. وقف در هندسه اقتصادی اسلام به سرچشمه جوشان توسعه شهرت دارد و این بدان معنا است که اساساً توسعه مبتنی بر آموزه‌های اسلام نه تنها یک امر متمرکز نیست بلکه توصیه‌ای همگانی است و بر دوش همه مردم جامعه قرار دارد. وقف در واقع تشکیل یک سیستم خون‌رسانی فراگیر است که نه تنها سرتاسر کالبد جامعه را در بر می‌گیرد بلکه دیگر از یک منبع متمرکز جهت

رشد و توسعه جامعه تغذیه نمی‌شود و این خود یکی از مولفه‌های مهم در کاهش خسارت اقتصادی در زمان جهاد اقتصادی است. در واقع یکی از ابعاد جهاد اقتصادی ایجاد مانع در برابر نفوذ دشمن است و یکی از بهترین موانع اقتصادی طراحی سیستم‌های اقتصادی امن است. وقف یک مدل اقتصادی مبتنی بر حضور و مدیریت مردم است که یک روح واحد و یکپارچه داشته و در عمل، تکثری به عدد همه ملت خواهد داشت. اگر روح و کالبد اقتصادی یک کشور متأثر از فرهنگ وقف باشد با توجه به توزیع مراکز تولید ثروت و تقسیم مدیریت اقتصاد بین مردم این امکان را فراهم خواهد آورد که میزان آسیب‌های اقتصادی را در زمان جنگ اقتصادی و حاکم شدن شرایط تحریم به حداقل برسانیم.

وقف‌های خواندنی^{۵۵}

مطابق آمارهای سازمان اوقاف کشور، واقفین ایرانی با ۷۵۰ نوع نیت، متنوع‌ترین وقف‌ها را در دنیا به خود اختصاص داده‌اند. وقف‌هایی که به ۸ بخش کلی تقسیم شده و هر کدام

^{۵۵} خبرگزاری ایرنا

زیرمجموعه‌های فراوان و متنوعی دارند. شاید مرور جالب‌ترین و عجیب‌ترین وقف‌ها که در ایران ثبت شده است هم به اندازه خود این وقف‌ها جالب باشد.

وقف برای برندگان جایزه نوبل

اواخر آذرماه سال ۱۳۸۵، سرپرست وقت سازمان اوقاف و امور خیریه، خبر از یک وقف عجیب و جالب داد که مطابق آن، یک شهروند تهرانی اموالش را برای کمک به برندگان جایزه نوبل وقف کرد این فرد نیکوکار همچنین بخشی از اموالش را برای حمایت از مباحث علمی خاص از جمله شیمی و فیزیک وقف کرده است.

وقف برای ظروف شکسته

ابن بطوطه حکایت می‌کند که «روزی از کوچه‌ای در دمشق می‌گذشتم، غلام بچه‌ای را دیدم که از دست او قدحی چینی بر زمین افتاده و شکسته بود و مردم به گرد او جمع شده بودند. یکی از آن میان به پسرک گفت خرده‌های قدح را برگیر و نزد متولی اوقاف ظروف ببر. غلام بچه‌پاره‌های شکسته را جمع کرد و با آن مرد نزد متولی رفت و آن خرده‌های ظرف را به وی نشان داد و او از درآمد موقوفه مخصوص این کار پولی برابر قدح به آن پسر داد

تا قدحی مانند قدح شکسته خریده، از مضروب شدن و دشنام شنیدن از خواجه و بانوی خود رهایی یابد»

وقف زمین برای جانوران

ایرج افشار و عبدالوهاب طرار در کتابچه موقوفات یزد از یک وقف جالب در یزد یاد کرده اند: «در روستای ”عز آباد“ یزد وقف نامه جالبی وجود دارد که نشان از لطافت مردم آن خطه دارد. در این وقف نامه که واقف آن نامعلوم است چنین وقفی ذکر شده است: اراضی نیم قفیز (معادل حدود ۷۵ متر)، منافع آن باید صرف طعمه‌ی سگ کور شود.

وقف برای پرندگان

حدود ۳۰۰ سال قبل هم یکی از موقوفات شهر اصفهان که در یک وقفنامه این شهر ثبت شده، زمینی کشاورزی وجود دارد که وقف غذای پرندگان شده است و طی آن، بایستی هر سال در آن زمین گندم و جو کاشته شود. پس از برداشت محصول و پرداخت حق الزحمه کشاورزان، مابقی گندم و جو برای زمستان انبار شود و در فصل زمستان این گندم‌ها در بیابان‌های اطراف اصفهان که محل

زندگی و رفت و آمد پرندگان است، پاشیده شود، تا پرندگان گرسنه نمانند.

وقف برای گربه ها

در منطقه «بشرویہ» در استان خراسان جنوبی هم زمینی وقفی وجود دارد که نام آن را «بند گربه ای» گذاشته‌اند. زمینی که صاحب اولیہ‌اش، آن را برای ممانعت از اذیت کردن گربه‌ها وقف کرده است. به این ترتیب که صاحب خانه در بشرویہ حق نداشت گربه را به دلیل ربودن گوشت مورد اذیت قرار دهد. همچنین حق نداشت افراد خانواده را به دلیل سهل انگاری در نگهداری گوشت مورد مواخذه قرار دهد بلکه با مراجعه به شخصی که زمین گربه‌ای در دست او بود، وجه گوشت ربوده شده توسط گربه را دریافت می‌کرد.

درختی که وقف گسترش اسلام شد

واقفی به نام «جهانبخش بهرامیان» در منطقه ماهیدان استان فارس ۱۴ اصله درخت گردو به ارزش ۱۴۰ میلیون ریال را با نیت نشر علوم دینی و معارف اسلامی وقف کرد تا با درآمد حاصل از

فروش گردوهای این باغ، به نشر و گسترش علوم اسلامی کمک کند.

وقف غذای سگ‌ها برای نرفتن به حرم

یکی از موقوفات جالب و عجیب در سالهای دور در مشهد مقدس موقوفه‌هایی برای سگ‌ها بود... این موقوفات، در واقع محل‌هایی برای نگهداری سگ‌ها بوده است. سگ‌هایی که همراه با کاروان‌های زائران مشهد مقدس بوده‌اند و برای حفظ حرمت حرم مطهر امام رضا (ع) اجازه ورود به حرم را پیدا نمی‌کردند. صاحبان این سگ‌ها به موقوفه‌هایی که به همین منظور احداث شده بود می‌رفتند و سگ‌ها را به آن جا می‌سپردند تا ضمن نگهداری، خوراک سگ‌ها نیز تامین شود. جالب این که از درآمد این اماکن وقفی گوشت و غذا برای سگ‌ها تهیه کرده و برای آن‌ها می‌برده‌اند.

وقف‌های خوراکی

یکی از جالب‌ترین وقف‌ها در استان فارس وجود دارد. مطابق اسناد، در یکی از شهرهای استان فارس باغ‌های اصطهبانات (پسته و

بادام) وقفی شده که مغز بادام و مغز گردو به بچه‌هایی که مسجد می‌آیند، می‌دهند و با این وقف مسجد را پر از جوان می‌کنند.

وقف اغنیا

اما شاید عجیب‌ترین وقف خوراکی‌ها مربوط به مراسم خاصی باشد که هر سال در آستان قدس رضوی برگزار می‌شود. مراسمی که به «ناهار اغنی» معروف شده است. مطابق این وقف که فتحعلی خان (صاحب دیوان) از رجال دوره قاجار واقف آن بوده است، هر سال مصادف با سوم شعبان، میلاد حضرت امام حسین (ع) در تالار تشریفات حرم مطهر حضرت رضا (ع) ضیافتی با سفره رنگین بر پا می‌شود که طبق وقف نامه غذاهای سر سفره باید هفت نوع باشد که شامل سوپ، دو رقم برنج، کوکو شیرین، سالاد الویه، گوشت و یک رقم خورش، نوشیدنی متعارف (نوشابه، دوغ و آب) می‌شود. در وقف نامه آمده است که تولیت آستان قدس رضوی شخصا در مجلس باید حضور یابد و به صرف شیرینی و شربت و ناهار هفت رنگ، از میهمانان پذیرایی کند. هر سال از سوی تولیت آستان قدس رضوی این ضیافت باشکوه بر اساس خواسته واقف با حضور

مسوولان عالی رتبه استانی، جمع کثیری از مدیران و صاحبان صنایع، بازرگانان و علما برگزار می‌شود.

نکته جالب این وقف نیز مراسم آغازین آن است که طبق وصیت نامه مرحوم فتحعلی خان (صاحب دیوان) پیش از شروع مراسم، متن این وقف برای حضار قرائت می‌شود: «مرحوم صاحب دیوان نیتش این بوده که مسوولان و حکام را سالی یک بار به این بهانه دور هم جمع کند تا بلکه این گروه گرهی از گره‌های مردم را به بهانه این گردهمایی بگشایند، تا اغیاء سر یک سفره قرار گیرند و تحت تاثیر وقف قرار گیرند و لاقلاً بخشی از املاک و دارایی خود را وقف امور خیر برای ارج نهادن به مقام والای انبیاء و علیا و محرومان نمایند.

وقف برای واکس زدن زائرین

در میان موقوفات متعدد که در آستان قدس رضوی ثبت شده است نیز موارد جالبی وجود دارد که نشان از ارادت ویژه واقفان به زائران حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) نیز دارد. از جمله این موقوفات، روستایی است که صاحبش آن را وقف واکس زدن کفش‌های زائران حرم حضرت رضا (ع) شده است. همچنین در مشهد

موقوفه‌هایی برای تأمین کفش زائرانی که کفش‌های آن‌ها گم می‌شود هم وجود دارد.

وقف‌های اخلاقی

حمایت از مظلومان، ستم دیدگان و افرادی که به نوعی مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند هم از جمله نیت‌های جالب وقف کنندگان است. به عنوان مثال موقوفه‌ای وجود دارد که واقف آن نیت کرده درآمد ناچیز آن موقوفه به کسانی اختصاص یابد که ناله مظلوم را به مقامات رسمی برسانند و این موقوفه درآمدش خرج این شود. در مورد جالب دیگری در شهر «نائین» وقفی ثبت شده که ویژه روضه‌خوان‌های بی‌طرفدار است. کسانی که قصد رفتن به منبر و روضه‌خوانی دارند، ولی کسی آنان را دعوت نمی‌کند. مطابق نیت واقف، درآمد این موقوفات به این افراد اهداء می‌شود.

وقف تفریح کودکان

در سال ۱۳۴۶ در تهران نیز وقفی ثبت شده که واقفان آن به نام‌های «سکینه شبیر» و «ربابه شبیر» عوائد موقوفه را صرف کمک و مساعدت به کودکانی که فاقد وسائل تفریح و سرگرمی

هستند جهت حفظ نشاط و سرگرمی آنها و جلوگیری از مفاسد اخلاقی صرف می‌کنند.

وقف سیم کارت رند برای امامزاده

اداره اوقاف شهرستان داراب، یک وقف عجیب را ثبت کرده است. طبق این وقف، شخصی به نام «خلیل مرعشی» یک فقره سیم کارت با شماره رند را وقف آستان مقدس سید علالدین حسین، پیر مراد داراب کرد. شماره این سیم کارت ۰۹۱۷۷۳۳۱۰۰۰ است و حالا وقف امامزاده این شهر شده است.

وقف برای حمام

اما عجیب‌ترین وقف، شاید وقفی باشد که در کتابچه موقوفات یزد نوشته عبدالوهاب طرار و ایرج افشار به ثبت رسیده است: در روستای عزآباد یزد مورد وقفی جالبی بدین مضمون از واقفی نامعلوم موجود است: «اراضی چهار دست، منافع آن باید صرف نوره (ماده موبر) حمام شود.

وقف‌های جالب خارجی

اما وقف‌های عجیب و جالب، فقط به ایرانیان اختصاص ندارد. در نقاط دیگر دنیا هم می‌شود از این موقوفه‌های جالب دید. به عنوان

مثال آن طور که در کتاب «جامعه توحیدی اسلام و عدالت اجتماعی» نوشته «مصطفی سباعی» و ترجمه: «سید علی محمد حیدری» آمده، در لبنان موقوفه‌ای وجود دارد که از درآمد آن، باید هر روز ۲ نفر به بیمارستان‌های مختلف شهر بروند و بر بالین بیماران حاضر شوند. این دو نفر باید در حالی که بیمار، صدای آن‌ها را بشنود به آهستگی صحبت کنند و جملاتی را رد و بدل کنند تا روحیه بیمار را بهتر کند. جمله‌هایی با این مضمون: «چشمه‌اشو نگاه کن. قیافه ش رو ببین! حالش خیلی بهتر شده.».

در همین کتاب، از وقفی جالب در عراق نیز یاد شده است. وقفی که صلاح الدین ایوبی در قرن ششم هجری قمری برای کمک به زنان شیرده ثبت کرده است. او در قلعه‌ی دمشق مراکزی را برای امداد به زنان شیرده وقف کرده بود، طوری که در آن جا دو ناودان تعبیه کرده بودند، که در هفته دو روز، از یکی شیر و از دیگری آمیزه‌ای از آب و شکر می‌ریخت، تا زنان شیرده‌ی که با کمبود شیر روبه‌رو بودند، از آن‌ها استفاده کنند و برای نوزادان خود ببرند.

وقف های خواندنی دیگر

از زمان دولت اموی در دوره ی هشام بن عبدالملیک برای اوقاف پس از توسعه ای حجم آن دیوانی مرکزی خاص تشکیل گردید که تولیت آن به عهده ی کسی بود که او را صدر الوقوف می نامیدند. در مصر در دوره ی سلطان ظاهر برقوق (۷۳۸هـ) مساحت اراضی موقوفه به نصف اراضی دولتی رسیده ! امری که باعث شد تا فواید آن به زمینه های مختلف عمران اسلامی گسترش یابد. تعدادی از وقف های خواندنی در این دوران را می خوانید.

- ۱- اعطای زیور آلات طلا و وسایل زینتی به عروس های فقیری که به هنگام ازدواج توانایی خرید آن ها را نداشتند...!
- ۲- کمک به زنانی که شوهرانشان خشم می گرفتند و از آنان جدا می شدند و آنگاه محلی برای سکونت خود نمی یافتند یا جایی که بتوانند در آن سکونت گزینند دور بود. به همین منظور خانه هایی به سرپرستی زنان برایشان فراهم می شد که ریاست آن را خانمی به عهده داشت که تلاش می کرد تا اسباب صلح و آشتی زنان خشم گرفته را با شوهرانشان مهیا سازد!

۳- درمان کردن حیوانات و پرندگان و نگهداری و مراقبت مرغان اهلی.

۴- تهیه ظروف غذا ویژه ی مناسبت های شادی و غم برای کسانی که توانایی خرید آن ها را ندارند همچنین ظرف هایی که خدمتگزاران می شکستند با آن ها تعویض می شد تا مورد آزار واذیت کار فرمایان خود قرار نگیرند.

۵- پرداخت هزینه ی تکفین و تدفین مردگان فقیر و غریب.

۶- ایجاد گورستان ها برای تدفین افراد فقیر غریب و در راه مانده.

۷- وقف گذرگاه هایی که مردم به وسیله ی آن ها بتوانند از رودخانه ها و آبراهه ها و غیره گذر کنند و ساختن آسیاب های عمومی برای آسیاب کردن حبوبات به طور رایگان.

فصل سوم: طرح وقف علمی

پدیده وقف دارای حیطة گسترده ای از فعالیت و اقدام می باشد، تا جایی که اگر به درستی هدایت شود، به بسیاری از نیازها پاسخ می دهد و هیچگاه جامعه انسانی با کمبودهای اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی روبرو نخواهد شد. اما مهم این است که هم نیازها براساس اولویت در سطح افکار عمومی معرفی شود و هم ضرورت آن عینی و متناسب با عواطف و درک و توجه واقفان لحاظ گردد.

از جمله عوامل مهم رشد و شکوفایی تمدن اسلامی نیز، نظم یافتن امر پژوهش و دانش آموزی و فراهم بودن امکانات تحصیلی برای دانشمندان و محققین بود و این امکان بیشتر از محل درآمد موقوفات مدارس و اماکن علمی و آموزشی ایجاد می شده است . اوقاف به طور کلی از نظر درآمد و بهره مستمر از بهترین و بیشترین منابع درآمد برای پژوهش و توسعه علم و دانش در جوامع اسلامی بوده است و پایداری و استمرار تعلیم در ممالک اسلامی طی قرن های طولانی و نظم و ترتیب فعالیت علمی و پژوهشی در

دانشگاه ها و دارالعلم ها و بیمارستان ها و دیگر مراکز علمی به این منبع مالی بستگی داشته است.

با توجه به اهمیت علم در احیای تمدن اسلامی - ایرانی و از آنجا که مکان و کانون جنبش های علمی و نرم افزاری و نهضت های تولید علم در مراکز علمی و تحقیقاتی است، باید توجه ویژه ای به این مراکز و کانون های حساس داشته باشیم. در حقیقت مراکز تحقیقاتی ، دانشگاه ها و حوزه های علمیه هستند که محفل تولید علم و گسترش علم و شکستن مرزهای دانش می شوند. اما این مراکز با مشکلاتی مواجه هستند. در این حوزه نباید تنها متکی به بودجه های دولتی بود بلکه یکی از راه های کمک به این مراکز مالی تامین پشتوانه هایی مانند وقف است. به طور کلی وقف از نظر درآمد و بهره مستمر از بهترین و بیشترین منابع درآمد برای تعالیم اسلامی بوده است و پایداری و استمرار تعلیم در اسلام طی قرن های طولانی و نظم و ترتیب فعالیت های علمی در مراکز علمی و تحقیقاتی به این منبع مالی وابستگی داشته است.

پروفسور استاد محمد عبدالسلام فیزیکدان فقید پاکستانی و برنده جایزه نوبل در مقاله ای تحت عنوان «آینده علم در اسلام»

پیشنهادات ارزنده ای در خصوص پیشرفت علمی در کشورهای اسلامی ارائه داده اند که یکی از آنها استفاده از درآمد موقوفات برای توسعه علم و دانش و گسترش وقف هایی است که مانند بنیادهای وقفی در کشورهای غربی هزینه درآمد آنها برای امور علمی و پژوهشی باشد .

ذیلاً به قسمت هایی از این مقاله مفید اشاره می شود:

دومین علت تفوق علمی نیز از این آیات و احکام نشأت می گیرد. بر خلاف نظر سنت گرایان در دوران اولیه اسلام، نهادهای علمی و دانشمندان از حمایت کامل جامعه اسلامی بهره مند بودند. این امر تا قرن پانزدهم میلادی ادامه داشت. در اینجا به عبارتی از اچ ای، ار. گیب (H.A.R.Gibb) که در زمینه ادبیات نگاشته است اشاره می کنیم: «شکوفایی علوم در اسلام بیش از هر چیز مرهون سخاوت و حمایت مقامات عالی بوده است، زیرا در ممالک اسلامی حکومت و وزرا و مردم از علوم حمایت و پشتیبانی می کردند و به این طریق مشعل علم را روشن نگه می داشتند». البته این حمایت اکثراً از طریق موقوفات فراوانی بوده که برای اداره مدارس و مراکز علمی و پژوهشی قرار می داده اند و هزینه های

این مدارس و مراکز و حقوق اساتید و کمک هزینه دانشجویان از محل درآمد وقف‌هایی بوده که برای آنها منظور شده بود. در ادامه نمونه ای از موقوفات علمی در کشور عزیزمان ایران و تاریخ اسلام و سایر کشورها را بیان می کنیم :

نمونه موقوفات در ایران معاصر

انستیتو پاستور

محل فعلی انستیتو در تهران در سال ۱۲۹۹ به متراژ ۲۲۵۴۹ مترمربع به دست مرحوم میرزا عبدالحسین فرمانفرمائیان وقف و ساخته شد و در ۹۰ سال گذشته منشا خیرات بسیار و خدمات عظیم پزشکی بخصوص در ریشه کنی برخی از امراض شده است . و در سالهای بعد در تجریش و خیابان خالد استامبولی تهران، آمل و حوالی همدان به انستیتو پاستور وقف گردید

بنیاد فرهنگی موقوفه البرز^{۵۶}

یکی از مجتمع های فرهنگی موقوفه دوران معاصر ایران «بنیاد فرهنگی البرز» است.

^{۵۶} سایت بنیاد

بنیاد فرهنگی البرز در ۲۷ اسفند ماه ۱۳۴۲ با سرمایه شخصی مرحوم حسین علی البرز در تهران تأسیس شد. هدف این بنیاد خیریه اشاعه فرهنگ اسلامی می باشد که عناوین این خدمات فرهنگی عبارت است از: اعطای جوایز به دانش آموختگان سراسر کشور، اعطای جوایز به صاحبان ابتکار و ابداع، چاپ و نشر کتاب و مقالات علمی و تحقیقی در ابعاد گوناگون فرهنگ اسلامی، اعطای وام دراز مدت و بدون بهره به دانش پژوهان، احداث یا خرید ساختمان های مناسب برای ایجاد مدارس با حق تقدم مناطق محروم و مستضعف، تشکیل مجالس و محافل مختلف علمی و تحقیقی.

بنیاد فرهنگی البرز از درآمدهای حاصل از واحدهای تجاری خود، به دانشجویان دانشگاه ها نیز وام تحصیلی پرداخت می کند. بنیاد هر ساله طی مراسم ویژه ای جوایزی را به دانش آموزان و دانشجویان ممتاز در مقاطع مختلف تحصیلی که از دانشگاه ها و مراکز آموزشی معرفی می شوند، اهدا می کند.

بنیاد علمی و آموزشی قلم چی

در نیمه اول شهریور ماه ۱۳۸۴ همه اموال و حقوق و درآمدهای مجتمع فرهنگی آموزشی قلم چی و هم چنین ساختمان شماره ۱۰۱۵ خیابان انقلاب وقف عام شد و به نام بنیاد علمی و آموزشی قلم چی شخصیت حقوقی یافت. وقف عام بر مصالح عامه است و موضوع این وقف گسترش دانش و آموزش است. اولین مورد از اهداف وقف بورسیه کردن حداقل یک هزار دانش آموز مستعد دبیرستانی از نقاط و مناطق محروم می باشد.

در آمد مجتمع فرهنگی آموزشی قلم چی و ساختمان کانون با رعایت اولویت ها فقط به مصارف زیر می رسد:

۱- تامین هزینه های تحصیلی و حمایت از دانش آموزان مستعد در

مناطق محروم

۲ - ساخت مدرسه و کتابخانه

۳- هر نوع اقدام فرهنگی دیگر که به گسترش دانش و آموزش

یاری رساند.

موقوفات سید حسین فلاح نوشیروانی

عارف بزرگ و رادمرد وارسته مرحوم سید حسین فلاح نوشیروانی فرزند سید احمد در حدود سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در قریه نوشیروانکلا از توابع شهرستان بابل دیده به جهان گشود. از همان اوان طفولیت آثار هوش و استعداد خارق العاده در سیمای نورانی این سید جلیل القدر هویدا بود. روح بلند این مرد خیر، فرهنگ دوست و خیراندیش در ۲۳ اسفند سال ۱۳۵۰ پس از ۶۹ سال خدمت به خلق به لقاء الله پیوست. وی موقوفات بسیار زیادی در حوزه های مختلف از قبیل احداث درمانگاه، کمک به ایتام و... از خود برجای گذاشت که موقوفات ایشان در حوزه علم و پژوهش عبارتند از:

۱. احداث دبستان ۶ کلاسه در زمینی به مساحت ۷۰۰۰

متر مربع در روستای نوشیروانکلا (سال ۱۳۲۳)

۲. احداث دبستان ۶ کلاسه در روستای آردکلا

۳. احداث دبستان ۶ کلاسه دخترانه در روستای نوشیروانکلا

۴. تأسیس آموزشگاه حرفه ای در بابل (سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵)
۵. تأسیس انستیتو تکنولوژی در بابل (سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷)
۶. تأسیس هنرستان صنعتی نوشیروانی در بابل (سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶)
۷. اهدای زمین برای ساخت مدرسه به آموزش و پرورش بابل
۸. اهدای بورس تحصیلی به عده ای از دانشجویان دوره آموزش تکنیسین در بابل
۹. اهدای بورس تحصیلی به تعداد ۸۶ نفر از دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور
۱۰. تأسیس ۶ کلاسه در مجاورت پرورشگاه
۱۱. احداث ۴ دبستان به نام ۴ تن از دانشمندان ایرانی در ۴ شهر کشور
۱۲. کمک به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال برای ساخت دبیرستان اسلامی بابل

۱۳. احداث مدرسه راهنمایی در روستای اجوارکلا توسط

فرزندانش

۱۴. راه اندازی شبکه مدرسه بابل توسط فرزندانش

موقوفات مرحوم حاج حسین آقاملک

بی شک بزرگترین موقوفات تاریخ ایران مربوط به حضرت امام رضا(ع) است که در سراسر ایران، آثار و تأثیرات شگرف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن بر احدی پوشیده نیست. بخش زیادی از این موقوفات مربوط است به کتابخانه ها، کتب نفیس خطی و مدارس علمیه و موقوفات مرحوم حاج حسین آقا ملک یکی از آنهاست که گویا بزرگترین موقوفه شخصی در تاریخ ایران باشد که کتابخانه، موزه و اموال و املاک بسیاری را وقف امام رضا- علیه الصلوٰه و السلام- کرده است.

نمونه موقوفات در جهان اسلام

نظامیه ها و موقوفات آنها^{۵۷}

خواجه نظام الملک یکی از بنام ترین شخصیت های سیاسی و علمی ایران در خلال کارهای مهم کشوری مدارس بزرگی هم در

^{۵۷} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیدبانی

بغداد و نیشابور و دیگر شهرهای معروف ایران چون اصفهان و بلخ و هرات و مرو و آمل و طبرستان و در بصره و موصل بنا نهاد که بنامش «نظامیه» نامیده می شده است. نظامیه بغداد، کنار دجله در کوی سه شنبه بازار در شمار بزرگترین مدارس عهد اسلامی است که در سال ۴۵۹ ه ق پایان یافت و موقوفات بسیاری برای مدرسه تعیین کرد. که هم به مدرسان و استادان و کارکنان آن حقوق کافی پرداخت می شد و هم مبلغی به طلاب در راه فراگرفتن علم مصرف می شد. خانه هایی هم برای طالبان علم ساخته بود و کتابخانه معظمی نیز برای این دانشگاه بزرگ زمان ایجاد کرده بود. ابن جبیر آندسی که در سال ۵۸۰ ه ق بغداد را دیده می نویسد: «این مدارس را اوقاف عظیم و اموال زیاد است، و به فقهائی که آنجا تدریس می کنند مراتبه داده می شود، و از همین درآمدهای اوقافی، طلابی را که در آن ساکنند ماهیانه می دهند» ابن بطوطه هم از این مدرسه توصیف کرده است.

از دیگر مدارس نظامیه که موقوفه بودند و از محل درآمد موقوفات اداره می شدند نظامیه های هرات و مرو، اصفهان و بلخ بودند. که

رشید و طواط شاعر و مؤلف کتاب حدائق السحر(در گذشته به سال ۵۷۳ هجری)ازتحصیل کرده های نظامیه بلخ بود.

مدرسه موقوفه بنی سعد بخارا و پژوهش ها و

تحصیلات پزشکی ابن سینا در آن^{۵۸}

موضوع پزشکی از این جهت در شرح حال ابن سینا اهمیت دارد که دنیا در درجه اول او را پزشک می داند. ابن سینا دانشمند ریاضی، نجوم، فلسفه، تاریخ و ادب بود. روزی که ابن سینا شروع به تحصیل علم پزشکی کرد، منظورش تحصیل یک علم جدید بود و لا غیر ولی اگر ابومنصور حسن بن نوع القمری در بخارا نبود شاید ابن سینا به سوی علم پزشکی نمی رفت. ابن سینا از سکونت ابو منصور حسن بون نوح القمری در بخارا استفاده کرد و فرصت را مغتنم شمرد تا یک علم جدید (علم پزشکی) را بر توشه ای که از علوم دیگر داشت بیافزاید.

شهرت ابو منصور حسن بن نوح القمری به قدری زیاد بود که از کشورهای دیگر برای استفاده از محضر درس او به بخارا می رفتند

^{۵۸} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیدبانی

و ابو منصور فقط علم طب تدریس می کرد. و جلسات درس او در مدرسه (موقوفه) بنی سعد منعقد می گردید.

مدرسه بنی سعد دویست دانشجو (طلبه) داشت که مانند دانشجویان (طلاب) دایمی سایر مدارس بخارا شب در مدرسه می خوابیدند و جیره و مستمری از محل موقوفات مربوطه داشتند و اتاقهای مدرسه و به اصطلاح گذشتگان حجره های آن دو نفری و سه نفری بود. ابن سینا بیش از ۱۸۰ کتاب و رساله در فنون مختلف نوشته که پانزده کتاب معروفش در طب است و مهمترین آنها قانون می باشد که به قول جرجی زیدان یک فرهنگ جامع طب و داروسازی است.

بیمارستان بزرگ منصوری قاهره و موقوفات آن^{۵۹}

این بیمارستان که دارالشفاء خوانده می شود در شهر قاهره و در راه بین القصرین (غاسین کنونی) قرار گرفته است. این بیمارستان را ملک منصور سیف الدین قلاوون از شاهان سلسله مملوکی بحری بنیاد کرده است. مقریزی در ذکر رویدادهای سال ۶۸۳ ه ق می

گوید:

^{۵۹} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیدبانی

در این سال ساختمان بزرگ منصوری و مدرسه گنبد به پایان رسید (عبدالرحیم غنیمه، ترجمه، ۱۳۷۲) و چون بنا تکمیل شد سلطان بازارها، زمین های کشاورزی، دکان ها، گرمابه ها، مهمانخانه ها، و انبارهای علوفه و غیره و نیز دهات شام را که درآمد ماهانه محصولات غلات آن زیاد بود همه را از دارایی شخصی وقف کرد و سهم بیشتر را به بیمارستان و مابقی را به گنبد اختصاص داد. این بیمارستان از بزرگترین مراکز درمانی و دانشکده های پزشکی تاریخ مصر در قرون وسطی بود و شگفت آور است که در روزگاران دور تاریخ چنین پایگاه های خیریه نادری وجود داشته است که با تازه ترین بیمارستان های خیریه در پیشرفته ترین شهر های نوین یاد اروپایی تفاوت چندانی ندارد در سال ۱۱۷۵ ه ق امیر عبدالرحمن که از سوی قضات عالی شرع قاهره مأمور نظارت بر موقوفات منصور قلاوون شده بود بیمارستان و مدرسه منصوری را بازسازی کرد.

مدرسه نجف اشرف^{۶۰}

از مهمترین مراکز آموزشی و مدارس شیعی مدرسه ای است که در نزدیکی حرم مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف در عراق بنیاد گردید و موقوفات فراوانی برای آن در نظر گرفته شد. این مرکز علمی قرن های طولانی است که به فعالیت خود ادامه می دهد و هنوز هم دایر است و علما و فقها و مفسران و دانشمندان بزرگی به جامعه اسلامی و بشری تحویل داده است. ابن بطوطه که در قرن هشتم هجری این بارگاه و مدرسه را زیارت کرده در رحله خود در وصف آن گفته است: «از باب الحضرة به مدرسه بزرگی راه دارد که دانشجویان و صوفیان شیعه در آن سکنی دارند و از هر مسافر تازه وارد به این مدرسه تا سه روز و روزانه دوبار با خوراکی از نان و گوشت و خرما پذیرایی می شود ورود به باب القبه از اندرون این مدرسه صورت می گیرد».

^{۶۰} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیددانی

جامع الازهر مصر و موقوفات آن^{۶۱}

بنای مسجد الازهر در رمضان سال ۳۶۱ ه ق به پایان رسید. این مؤسسه علمی تنها از سال ۳۷۸ ه ق و در زمان خلیفه فاطمی العزیز (۳۶۵-۳۸۶ ه ق) به صورت یک دانشگاه موقوفه واقعی درآمد. در این سال و به فرمان همین خلیفه بود که برنامه آموزشی جامعه تنظیم گردید.

جانشین عزیز پسر او حاکم نیز مسجد جدیدی بنا کرد که به جامع الحاکم معروف شد. بنابر روایت تاریخ مقریزی، حاکم از مدرسان الازهر خواست تا کلاس‌هایی در مسجد جدید او برپا کنند، ولی در عین حال از الازهر نیز غافل نشد و آنجا را تعمیر کرد و موقوفاتی برای آن مسجد و چند نهاد دیگر مقرر داشت. این موقوفات به صورت بناها و مغازه‌هایی در قاهره قدیم و یا دیگر نقاط شهر بودند.

^{۶۱} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیدانی

بغداد و موقوفات آن و فعالیت‌های علمی و پژوهشی

خوارزمی در آنجا^{۶۲}

در نهاد آموزش بیت الحکمه که مأمون بی دریغ از پشتیبانی از آن برخاست و هزینه‌ها برایش پرداخت زبان تازی با ترجمه کتابهای پارسی و یونانی سرشاری توانمندی گرفت. بیت العلم (بیت الحکمه) از نخستین نهادهای آموزشی بود که موقوفه‌هایی سرشار و گشاده دست به عنوان پشتوانه داشت. مأمون که نمی‌خواست پیشرفت علم و دانش به دست و دل بازی اتفاقی شخصی و خصوصی خلفا یا بزرگان و سران دولت وابسته باشد، و با ارجی راستین که با شخصیت ادیبان می‌گذارد، آن را پدید آوردن موقوفه‌های همیشگی برای پیشبرد و پشتیبانی، جدا و رها از پیشکشهای اتفاقی قرار داد .

ابن ندیم در الفهرست نوشته است که خوارزمی (ریاضیدان و منجم و مورخ و جغرافیدان ایرانی نیمه دوم سده دوم و اول سده سوم ه. ق) پیوسته در خزانه الحکمه که مأمون تأسیس کرده بود کار می‌کرد. زیج‌های اول و دوم او که معروف به «سند هند» است مورد

^{۶۲} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیدبانی

اعتماد و اتکای مردم بود. خوارزمی در ریاضیات و مخصوصاً نجوم ایران پیش از اسلام و تعلیم مکتب جندی شاپور، که در زمان وی هنوز از خاطره ها محو نشده بود، دست داشت و آنها را با ریاضیات هندی درآمیخت و نخستین کتاب های حساب و جبر و نجوم (زیج) را به زبان عربی نوشت و آثار او در بسط و پیشرفت ریاضیات، چه در کشورهای اسلامی و چه بعداً در کشورهای اروپایی تأثیر فراوان داشت.

دانشگاه موقوفه مسلمین در قرطبه و پژوهش و تدریس پزشکی^{۶۳}

در قرن چهارم هجری در قرطبه مسجد و مدرسه ای (دانشگاهی) بزرگ وجود داشت که مسلمانها ساخته بودند و ابوالقاسم زهراوی در آن مدرسه علم پزشکی را تحصیل می کرد و جراح شد. مدرسه اسلامی قرطبه از مؤسسات موقوفه فرهنگی برجسته مسلمین در کشورهای مغرب محسوب می شد. در این دوره قرطبه پایتخت اسپانیای مسلمان، بزرگترین مرکز فرهنگی اروپا بود و با قسطنطنیه

^{۶۳} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیدبانی

و بغداد سه مرکز معتبر فرهنگی جهان به شمار می رفتند قرطبه ۱۱۳۰۰۰ خانه، بیست و یک محله بدون شهر، هفتاد کتابخانه و عده زیادی کتاب فروشی و مسجد و قصر داشت و شهرت جهانی یافته بود که حیرت و شگفت جهانگردان را بر می انگیخت. در شهر مایل ها راه سنگ فرش بود که از خانه های دوطرف روشنی می گرفت. در صورتی که لندن و پاریس حتی هفت قرن پس از آن تاریخ چنین وضعی نداشت

در دوران حکومت حکم در اسپانیا (اندلس) با توجه به اینکه او شخصاً مردی دانشور بود دانش آموختن را تشویق می کرد و بدانشوران جایزه های خوب می داد و هم او به پایتخت بیست و هفت مدرسه بنیاد کرد که در آنجا تعلیم رایگان بود. بدوران وی دانشگاه قرطبه که عبدالرحمن سوم در مسجد بزرگ پایتخت به پا کرده بود و بنیاد آن از هر قاره و نظامیه بغداد جلوتر بود بصف مؤسسات تعلیماتی جهان مقامی بلند یافت و دانش طلبان مسیحی و مسلمان نه تنها از اسپانیا بلکه از نواحی مختلف اروپا و آسیا و آفریقا بدان جا می شدند. حکم مسجدی را که دانشگاه آنجا بود وسعت افزود و بوسیله لوله های سربی آب به آنجا می برد. برای

تدریس دانشگاه از شرق و غرب استادان فراخواند و موقوفاتی برای پرداخت مقرری ایشان معین کرد.

قرطبه بجز دانشگاه یک کتابخانه داشت که از لحاظ اهمیت درجه اول بود. حکم از دلبستگان کتاب بود و کسان وی در کتابفروشی های اسکندریه و دمشق و بغداد هر جا دستنویس تازه ای می یافتند می خریدند یا از آن نسخه بر می داشتند بدینسان 400000 جلد کتاب فراهم آورد که فهرست آن چهل و چهار جلد شده بود. در آن هنگام سطح فرهنگ مردم (مسلمان) اندلس چنان بالا بود که بگفته دوزی خاور شناس معروف هلندی و دیگر دانشوارن پس از او، همه کس خواندن و نوشتن می دانست. در اندلس چنین بود در صورتی که اروپایی مسیحی فقط بعضی مسائل عادی را می دانست و آن هم خاص طبقه بسیار کمی بود که بیشترشان کیش بودند. با توجه به وضعیت مدارس علمی و دانشگاههای اندلس و موقوفات و امکاناتی که مسلمانان برای آنها مقرر کرده بودند طبیعی بود که دانشمندان مختلفی در تمامی رشته ها از آنها فارغ التحصیل شدند از جمله دانشمندی که در آنجا تحصیل کرده بود و تدریس می کرد بزرگترین جراح تمدن اسلامی ابوالقاسم زهراوی یا ابوالقاسم

اندلسی معروف به ابوالقسیس می باشد که در قرن سیزدهم میلادی میزیست و بسیاری از ابزار جراحی را شخصاً اختراع نمود . دانشمند انگلیسی «سیدنی فیشر» در مقاله خود تحت عنوان «رشد آموزش و تفکر علمی در تمدن اسلامی» اذعان می کند که: اولین دانشگاه اسلامی که در جهان اسلام تأسیس گردید، دانشگاه قرطبه بود که توسط عبدالرحمن سوم در اواسط قرن دهم میلادی (سوم هجری) گشایش یافت . در سال ۱۹۹۸ دکتر گارسیا رئیس وقت کالج پزشکان «کوردوبا=قرطبه» اعلام کرد:

ده قرن پیش، مسلمانان در شهر «کوردوبا» (قرطبه) که مهد تمدن و هنر و علوم اسلامی در جهان بود، اولین کالج پزشکی اسلامی اروپا را بنا نهادند در حالی که در آن زمان در اروپا هیچ مکتب پزشکی رسمی نبود.

مجتمع آموزشی موقوفات ربع رشیدی^{۶۴}

از جمله بنیادهای آموزشی که در قرن هشتم وقف و اداره امور آن از محل درآمد موقوفات بوده مجتمع آموزشی پژوهشی ربع رشیدی است. در نیمه اول قرن هشتم به همت خواجه رشید الدین

^{۶۴} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیدبانی

فضل اله همدانی وزیر غازان خان الجایتو یا سلطان محمد خدابنده در تبریز یک مجتمع بزرگ علمی و دانشگاهی تأسیس یافت که تأثیر عمیقی در آموزش و پرورش عصر خود و حتی دوره های بعد از آن گذاشت اهمیت این مجتمع بزرگ دانشگاهی را می توان در نحوه مدیریت، سازماندهی و نیز رشته های تحصیلی آن دانست. در وقفنامه ای که در سال ۷۰۴ یا ۷۰۹ ه ق به خط خود خواجه رشید الدین نوشته شده و هم اکنون در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می شود. هدف از تأسیس (رشیدیه) یا ربع رشیدی را بیان داشته که:

درک (معانی و حقایق اشیاء) و (حدایث علما و مشایخ و اصحاب قلوب و اربابان عرفان) بوده است یعنی گسترش علم و فرهنگ از اهداف اصلی تأسیس این مرکز بوده به طوریکه برای تحقق این خواسته، خود نظارت ساختمان و تولید را تا آخر عمل بر عهده داشته است. این خدمت او بحدی مورد توجه بوده که علمای هم عصر او یعنی حمداله مستوفی و خوان میر بر این کار آفرین گفته اند. آموزش در این مجتمع علمی به چند مقطع تقسیم می گردید:

اول: بیت التعلیم

مخصوص کودکان و یتیمان که حالت دوره ابتدایی امروز را داشته است.

دوم: آموزش حرفه ای

با توصیه رشید می بایستی کودکان بر حسب نوع و میزان استعداد و نیاز جامعه درجه بندی شده و آموزش بینند توجه و دقت و تأکید بر آموزش علمی و تجربی از طرف رشید، میزان آینده نگری و دید وسیع او را در مسائل آموزش و پرورش عصر خود می نمایاند.

در ربع رشیدی پزشکان تمام وقت و پاره وقت با نحوه حقوقی که در وقفنامه برایشان معین شده به خدمت مشغول بودند و گروه بندی دانشجویان در امر بالینی و تجربی جالب بوده است. مضافاً به اینکه رشته های تخصصی جراحی، چشم پزشکی و داروسازی نیز دایر بود کادر پزشکی ربع رشیدی صبحها به تدریس و عصرها به مداوای بیماران می پرداختند البته این دانشکده دارای دارالشفاء و داروخانه نیز بوده است.

موقوفات رصدخانه مراغه و خواجه نصیر الدین طوسی

۶۵

در مغرب زمین او را «الطوسی» و مؤلفان کتاب های فارسی گاهی او را خواجه نصیریا خواجه طوسی می نامند او در یازدهم جمادی الاول سال ۵۹۷ ه ق در شهر طوس به دنیا آمد علوم شرعی و ادبی را از پدرش که از فقهای امامیه و محدثین طوس بود آموخت و سپس به تحصیل علوم عقلی از حکمت تا ریاضیات تا طبیعیات پرداخت در آغاز جوانی برای تکمیل اطلاعات خود به نیشابور که در آن زمان یکی از مراکز علمی بود رفت و محضر استادان بزرگ خراسان را در آنجا درک کرد.

بعد از فتح بغداد نصیر الدین در سال ۶۵۷ ه ق از جانب هلاکو مأموریت یافت تا رصدخانه مراغه را ترتیب دهد و جماعتی از ریاضی دانان بزرگ زمان را گرد آورد و رصدخانه مراغه را در همان سال آغاز کرد و به امر هلاکو جمیع اوقاف ایلخانی در اختیار او قرار گرفت. از عواید همین اوقاف بود که خواجه توانست در مراغه یک مرکز بزرگ علمی تشکیل دهد و عالمان بزرگ زمان را که از

^{۶۵} مقاله نقش فرهنگ وقف در شکوفایی علم و دانش در تمدن اسلامی، سید حسین امیدبانی

حوادث بد روزگار به این سو و آن سو افتاده بودند در آنجا در پناه ایلخانان، گردآورد و محیطی ایجاد کند که محل اجتماع حکما و علمای عهد گردد و کتابخانه ای عظیم در آن ترتیب دهد که شماره کتاب های آن از چهار صد هزار مجلد تجاوز کند.

نصیر الدین برای این مراکز علمی و مؤسسات آن یعنی رصد خانه و کتابخانه عظیم گروهی از دانشمندان و حکیمان روزگار را به خدمت گرفت و اوقافی برای حسن اداره آنها احداث کرد. نتیجه کار خواجه و همکاران او در این رصد خانه و کتابخانه عظیم تنظیم زیج ایلخانی گردید که از جمله زیجهای معروف است.

نمونه موقوفات در سایر کشورها^{۶۶}

قبل از اینکه به موقوفات علمی سایر کشورها اشاره ای داشته باشیم اصطلاحات غربی مشابه وقف اسلامی را به اختصار بیان می کنیم:

۱. اصطلاح «Endowment» که معنای لغوی آن وقف -

هبه - بخشش است و اصطلاحاً یعنی کمک خیرخواهانه

فرد یا نهاد در قالب پول یا دارائی یا هر گونه منبع درآمد

^{۶۶} مقاله فرهنگ وقف و شبه وقف و بخشش در بین ادیان و ملت ها

دائمی به بنیاد خیریه یا دانشکده یا بیمارستان و یا هر نهاد
دیگر.

۲. اصطلاح «تراست» که معنای لغوی آن وقف اعتماد -
صندوق سرمایه گذاری مال امانت اتحاد و شرکت دارای
فعالیت یکسان برای در دست گرفتن بازار است. تراست، به
اعتبار استفاده کنندگان آن خاص است یا خیریه و عمومی.

۳. اصطلاح «Foundation» که در لغت به معنای موسسه
- بنیاد - نهاد است

سه اصطلاح فوق نیز شباهتهایی با وقف اسلامی دارند از آن
حیث که همگی بر پایه یک مال دائم فعال مبتنی هستند
و درآمدش صرف اعمال خیریه می شود.

وقف در کشورهای غربی جایگاهی بس ویژه و مهم دارد؛ بسیاری
از کارشناسان اقتصادی یکی از دلایل رشد و توسعه اقتصادی در
کشورهای غربی را توجه ویژه آنها به وقف می دانند. زیرا در وقف
اختیار و انگیزه های شخصی برای هدر رفتن سرمایه وجود ندارد و
مسئولان و متولیان امور وقف در این مراکز ضمن آنکه موظف به

حفظ سرمایه اولیه هستند قانوناً وظیفه دارند جهت کسب درآمد از موقوفات برای تأمین هزینه هایی که موقوفات برای گردش کار آنها پدید آمده است تلاش مضاعف نمایند.

در ایالات متحده آمریکا هزاران موقوفه کوچک و بزرگ وجود دارد که بیش از 2400 موقوفه، جهت امور علمی و مراکز پژوهشی وقف گردیده اند که برخی از آنها با قدمتی بیش از یک قرن هنوز به فعالیت خود ادامه می دهند.

علاوه بر ایالات متحده آمریکا؛ در دیگر کشورها و مجامع غربی (جوامع اروپایی) نیز وقف و اهداف خیریه سهم بزرگ در حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم دارد. یکی از دانشگاههای مشهور آمریکا که از طریق وقف اداره می شود دانشگاه پرینستون *princeton college* است. این دانشگاه که همانند بسیاری دیگر از مراکز آموزش عالی ایالات متحده آمریکا از طریق وقف اداره می شود.

دانشگاه پرینستون آمریکا یکی از ثروتمندترین دانشگاههای این کشور است که این جایگاه را در نتیجه حجم گسترده موقوفات خود و درآمد حاصل از آنها به دست آورده است.

هر چند که بحران اقتصادی جهانی و بالاخص بحران مالی آمریکا؛ این دانشگاه را هم بی تأثیر نگذاشته است و از میزان درآمدهای حاصل از موقوفات این دانشگاه کاسته شده است؛ اما با این وجود هنوز هم از نظر مؤسسات مالی که با درآمدهای موقوفات اداره می شوند رتبه چهارم را در کل ایالات متحده آمریکا بدست آورده است. دارایی های حاصل از موقوفات و کمکهای مالی به دانشگاه پرینستون تا سال ۲۰۰۸ میلادی بالغ بر ۱۶/۳ میلیارد دلار بوده است.

کمکهای جمع آوری شده از دانشجویان و خانواده های آنان طی سال جاری حدود ۹۵ میلیون دلار بوده است که پیش بینی می شود تا سال آینده ۲۰۱۰ میلادی به ۱۰۴ میلیون دلار افزایش یابد. آقای دروناست رییس بزرگترین دانشگاه آمریکا (هاروارد) نیز می گوید: دارایی های هاروارد از موقوفات خود حدود ۳۶/۹ میلیارد دلار می باشد.

کشور آلمان نیز در بین کشورهای غربی جایگاه بالایی را در ثبت موقوفاتی که در امور آموزشی و پژوهشی فعالیت دارند به خود اختصاص داده است.

در این کشور از مجموعه ۵۹۳۳ مورد موقوفه در سال ۱۹۹۱ درآمدهای تعداد ۹۹۶ موقوفه در امر دانش و پژوهش ۱۸۵۶ موقوفه در امر آموزش و تعلیم و تربیت و حدود ۱۸۰ موقوفه (حدود سه درصد) آن نیز در امور دینی صرف شده است.

از سوی دیگر بسیاری از مؤسسات تحقیقاتی کشورهای صنعتی وقفی هستند؛ درآمد حاصل از موقوفات این مراکز صرف هزینه های مربوط به کشف علت بیماری ها و درمان آنها؛ آزمایش یا پژوهش یا اعطای جوایز به دانشمندان و محققان می گردد.

ارزش دارایی های ثبت شده از ۳۲۰۰۰ موقوفه در ایالات متحده آمریکا بر اساس آمار منتشره در سال ۱۹۸۹ (۲۰ سال پیش) حدود ۱۳۷ میلیارد دلار بوده است؛ که اگر این رقم را در زمان حاضر به بررسی بنشینیم بیش از دهها برابر رقم بیست سال قبل می باشد. طی چند سال گذشته صدها موقوفه و بنیاد وقفی با ارزشهای چند میلیارد دلاری به آنها اضافه شده؛ که موقوفات چند ده میلیارد دلاری بیل گیتس و وارن بافت تنها نمونه ای از آنهاست.

از دیگر موقوفات که بنیان آن توسط یک شخصیت علمی شکل گرفته است ، می توان به جایزه وقفی صلح نوبل

اشاره نمود. جایزه صلح نوبل یکی از پنج جایزه نوبل است که توسط آلفرد نوبل صنعت‌گر و مخترع سوئدی وقف شده است. این جایزه برای اولین بار در سال ۱۹۰۱ اعطا شد. آلفرد نوبل در وصیت‌نامه خود گفته است که این جایزه باید «به کسی داده شود که بهترین یا بیشترین کوشش را در راه برادری ملل یا انحلال با کاهش ارتش‌ها یا تشکیل و ترغیب کنفرانس‌های صلح کرده باشد.» جایزه نوبل صلح تنها جایزه نوبل است که در استکهلم داده نمی‌شود. این جایزه هر ساله در اسلو پایتخت نروژ اهدا می‌شود.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که در ابتدای فصل ارائه شد ، برخی از فوایدی که وقف می تواند برای جنبش نرم افزاری و توسعه علمی و در نهایت احیای تمدن اسلامی - ایرانی داشته باشد عبارتست از:

- عجين شدن مباحث علمی با فرائض دینی و تقویت دو طرفه علم و دین

- تامین مالی مستمر و پایدار پژوهش های علمی و تحقیقاتی
- احیای سنت آزاد اندیشی علمی به واسطه رهایی از بودجه های دولتی

- توجه بیشتر تحقیقات به نیازهای بومی و کاربردی مردم
- جلوگیری از تولید علمی صرف و کتابخانه ای و تنها قابل استفاده در مجامع علمی بین المللی

- ایجاد تقاضا برای علمی که به واسطه عدم تقاضا انجام نشده است

- درگیر شدن عامه مردم با امرآموزش و پژوهش
- جلوگیری از فرار مغزها به عنوان مهمترین مولفه توسعه علمی
- افزایش اقتدار ملی و تمدن سازی اسلامی - ایرانی

در کشور ما واقفین و افراد خیری وجود دارند که مالی را در حوزه های علم و دانش وقف نموده اند اما اولاً "حجم این موقوفات در حد و اندازه های نیاز جامعه نبوده ، ثانياً این روند تبدیل به جریانی مطمئن درحوزه وقف علمی نشده است .

ما در این کتاب با بیان اطلاعاتی در سه فصل و در حوزه علم و دانش ، وقف و وقف علمی به دنبال بیان دو مورد زیر بودیم :

● قابلیت پاسخگویی به یکی از اولویتهای مهم جامعه یعنی

توسعه علمی و به تبع آن توسعه کشور از طریق وقف

● ترویج و فرهنگ سازی و تشویق واقفین به وقف در حوزه علم

و پژوهش



در کشور ما واقفین و افراد خیری وجود دارند که مالی را در حوزه های علم و دانش وقف نموده اند اما اولاً "حجم این موقوفات در حد و اندازه های نیاز جامعه نبوده، ثانیاً این روند تبدیل به جریانی مطمئن در حوزه وقف علمی نشده است. ما در این کتاب ضمن ارایه اطلاعاتی در حوزه وقف و علم و دانش به دنبال بیان دو مورد زیر هستیم:

* قابلیت پاسخگویی به یکی از اولویتهای مهم جامعه (توسعه علمی) از طریق وقف
* ترویج و فرهنگ سازی و تشویق واقفین به وقف در حوزه ی علم و پژوهش

